

# طاووس پرستیان

جلد سوم

تالیف : فریده آرمان

طاووس

بهشتیان

جلد سوّم

## شناشنامه کتاب

نام کتاب: طاووس بهشتیان

جلد: سوّم

مؤلف و ناشر: فریده آرمان

چاپ: اوّل

چاپخانه: احمدی

تاریخ انتشار: بهمن ۱۳۷۰

تیراژ: ۱۵۰۰۰ نسخه

قطع: رقعی

## فهرست مطالب

---

صفحة ۷	جزوة دهم
صفحة ۲۳	جزوة یازدهم
صفحة ۵۵	جزوة دوازدهم

..... سرانجام زمین از آن بندگان پاک و صالح خداوند

خواهد بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ الْمُصَنَّفِي وَعَلَى الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ  
وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَيس  
آری درود بی پایان ما بندگان، نثار رسول گرامی و اولیاء الله و  
یگانه منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر حُجَّتِ بْنِ الْحَسَنِ  
الْعَسْكَرِيِّ أَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ وَنَائِبِ بِرِ حَقِّشِ إِمَامِ خَمِينِي  
رَحْمَةً اللَّهُ عَلَيْهِ.

پروردگارا تو وعده داده‌ای که مؤمنان و بندگان صالح  
و شایسته‌ات را به رهبری مهدی آل محمد در زمین خلافت  
دهی، تا بر علیه بیداد گران‌بی‌دین، آنهایی که حقوق ضعیفا را  
پامال کرده‌اند، قیام کرده، تا نابسامانی‌ها و نابرابری‌ها را بر  
انداخته و انسان‌های مظلوم و محروم عالم به امن و آرامش دست  
یابند.

و حال ای خدای لایزال از تو خواهانیم به ما همت دهی،  
 نهضت و شوق دهی تا به پاخیزیم و مشعل علم و هدایت اسلام را  
 به دست گیریم و با همراهی و همکاری صدها میلیون مستضعف،  
 با صفوف فشرده و اتحاد و اتفاق، دین تو را یاری کنیم، احکام  
 تو را حاکم سازیم و قرآن را منبع الهام و حرکت خود قرار دهیم  
 و به سوی آینده‌ای درخشان و اسلامی که نشانهٔ آیندهٔ تابناک  
 عصر حکومت حضرت مهدی (ع) باشد، پیش رویم و روز  
 بیدادگر و دشمن دین تو را، سیاه سازیم.

بارالها ما را برای رسیدن به این هدف بزرگ و با شکوه،  
 یاری فرما. و از تو می‌خواهیم پرچم توحید، حق و عدل در  
 سراسر جهان به اهتزاز در آید.

و حال پروردگارا شاهد باش سلام و درود بی پایان ما  
 را، بر آن کسی که بر تمام عالم مقدم قرار دادی، همان کسی که  
 از همه آرزوها برتر است.

آری آرزو، آرزوئی بس بزرگ، دیدار یگانه منجی عالم  
 بشریت حضرت مهدی (ع) و آیا براستی زمان آن دیدار با شکوه  
 رسیده است که بینوایان، پیشوا و سرور خود را که ثمره وجود  
 امام عسگری و شکوفه دامن نرگس و پناه بی‌پناهان است ببینند؟  
 همان که به شبستان سرد و بی فروغ انسانها، نور و حیات  
 می‌بخشد.

آیا زمان آن رسیده است که به دست مهدی عزیز، لوای

عدل و دادگری بر فراز بام جهان به اهتزاز در آید و به جوامع زنگار گرفته بشری، رنگ تقوی و فضیلت ببخشد.

امید داریم که آن روز خیلی نزدیک باشد، همان طور که غلائم و شواهد هر کدام چه تلخ و چه شیرین، نوید آمدنش را زمزمه می کنند.

و حال ای پروردگار دو جهان، سپاس بی پایان ما را بپذیر، زیرا در هیچ بُرّه‌ای از زمان، ما بندگان را سرگردان رها نکرده‌ای و امروز که دنیا در حسّاسیت خاصّ خود قرار دارد و اگر ما بندگان، آگاهانه به همراه مطالعه از آنچه که پیشوایان دلسوز و بزرگوارمان، به عنوان علائم آخرالزمان برای ما به ودیعه گذاشته‌اند بشناسیم، بدون شک رستگار خواهیم شد. و با شناخت حتی روزهای تلخ هم، می‌توانند برای ما شیرین باشد، زیرا می‌دانیم، در پس این تاریکی و ظلم و بیداد که در جهان حاکم است، نور و خوشبختی و سعادت آرمیده است.

و ما بندگان نیز، انشاءالله باید با تحولی با ارزش که در خودمان ایجاد می‌کنیم، روزهای موعود و با شکوه را انتظار کشیم، در حالی که باید برای رسیدن به آن روز، تلاش کرد و کم کاری و سستی را بر خود حرام بدانیم. زیرا اگر به علائم و شواهد توجه شود، نزدیکی ظهور را درک خواهیم کرد. و این را نیز بدانیم، پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) و اولیاء خدا (ع) در این رابطه با شکوه و بسیار عظیم، ما را تنها نگذاشته‌اند، بلکه

لحظه لحظه‌های آخرالزمان را به ما مردم معرفی کرده‌اند. و اگر بسیاری از ما مردم آنچه را که مثل داروست و شفای درد است ندانیم، در واقع خود غفلت کرده‌ایم. اگر چه مشکلات و گرفتاری‌های فعلی اجازه فعالیت و مطالعه را تا حدی از ما گرفته است، ولی به لطف خدای سبحان و آقا امام زمان (ع) در همین رابطه توفیق الهی شامل حال ما شده است که انشاءالله اخباری را که دانستن آن برای هر یک از ما بندگان خدا ضروری است و امید داریم در حد امکان به یاری خداوند و شما عزیزان، این مشکل حل شود و نیز انتظار داریم شما محبتان خاندان رسول الله (ص) نیز این موضوع را جدی بدانید، زیرا دقیقاً توفیق الهی و خواسته آقا امام زمان (ع) در این باره پیاده شده است و بس.

و شاید سوآلی برای شما عزیزان باشد خوب، منظور چیست؟ ما هم دوستانه جواب شما را تا آنجا که خبر داریم می‌گوئیم: باید گفت محبت بیش از حد امام زمان (ع) شامل حال ما شیعیان بوده و هست و ایشان می‌خواهند که ما مردم بیدار باشیم و از غفلت دوری کنیم، از گناهان جدا شویم و حتماً توبه کنیم و برای رسیدن ظهورشان دعاگو باشیم و برای تعجیل در ظهورشان زیاد صلوات بفرستیم که خوبی‌های آن روز موعود، انشاءالله شامل حال همگی ما مسلمانان باشد. و نه اینکه خدای ناکرده، فتنه‌ها و مشکلات آن روز، بواسطه غفلت کردن از آن ما شود، در حالی که باید باور کنیم امام زمان (ع) همگی ما را



خیلی دوست دارند و محبت ایشان به عناوین مختلف شامل حال ما بندگان می‌باشد، اگر چه بسیاری از مردم دنیا متوجه این محبت نیستند.

و این را نیز بدانیم اگر معصومین (ع) نمی‌خواستند ما متوجه تقریبی زمان ظهور باشیم، این همه ما را راهنمایی نمی‌کردند. پس می‌بینیم آنها با چهارده قرن فاصله‌ایی که با ما مردم دارند، دست تک تک ما بندگان خدا را گرفته‌اند تا در این کوره راه به چاه نیفتیم.

و حال ای بندگان خوب خدا، بدانید و بشناسید محبت بیش از حد آن عزیزان را، و اگر خدای ناکرده، باختی برای ما باشد، برای آن است که خودمان غفلت کرده‌ایم. باشد با یاری پروردگار به خود آئیم و به فردا بیاندیشیم و برای رسیدن به آن روز موعود قدم‌های خیر برداریم.

و ما نیز علامت‌هایی را که از اهمیت خاصی برخوردارند و نزدیکی زمان ظهور را اشاره می‌کنند، در این جزوه اشاره می‌کنیم.

روایت است از امیر مومنان علی علیه السلام در

ینابیع الموده ج ۳ ص ۱۹۳

الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبٍ

همه شگفتی‌ها در میان جمادی و رجب است

از جمله جبهه گیری‌ها، تلاش‌های مذبحخانه، دعوت‌های

جاهلی و ناسیونالیستی، خیزش‌های نژادی و قبیله‌ای، همه و همه، در این مدت پدید می‌آید و درگیری سپاه سفیانی و سرانجام نابودی آنها در همین ایام واقع می‌شود.

آری با توجه به اینکه در سال ۶۹ هجری شمسی برابر با ۱۹۹۱ میلادی جنگ آمریکا با عراق آغاز شد، و آن فاجعه‌ایی بود برای کشورهای منطقه و خصوصاً برای کشور عراق که تا به حال آرامش به آن دیار برنگشته و به نظر هم نمی‌رسد آرامشی در راه باشد. و باید بدانیم جنگی که در این دیار در گرفت، درست بین جمادی و رجب اتفاق افتاد، نیمه شبی که فردایش اولین روز ماه رجب بود، مردم به خواب خفته عراق، بلای عظیمی را در یک لحظه بالای سر خود دیدند، در حالی که دو هزار هواپیمای جنگی به آن کشور یورش برده و آسایش و امنیت را از آن مردم و دیار گرفتند.

و در روایت دیگر از امیر مومنان (ع) گفته شده در

بحارالانوار ج ۵۳ ص ۵۹

وَأَعْجَبًا كُلُّ الْعَجَبِ، بَيْنَ الْجُمَادَى وَالرَّجَبِ. مِنْ جَمْعِ شَتَاتٍ وَ حَصْدِ نَبَاتٍ وَ أَصْوَاتٍ بَعْدَ أَصْوَاتٍ.

همه شگفتی‌ها در میان جمادی و رجب است، از اجتماع

پراکنده‌ها، درو گیاهان، و صداها پشت صداها.

شاید مراد از اجتماع پراکنده‌ها، تجمع احزاب مختلف و

ائتلاف ارباب مکاتب و ایدئولوژی‌های مختلف باشد.

درست مثل همین کنفرانس مادرید که انجام شد، اگر چه ما مسلمانان جهان می‌دانیم آنها فقط عمر و وقتشان تلف شده است و نیز می‌دانیم که حق مظلومان را مثل همیشه ضایع کرده‌اند، ولی ما مردم مسلمان دنیا و دیگر ضعیفان عالم به آن وعده‌های شیرین پروردگار دل بسته‌ایم و امید داریم با ظلمی که ظالمان جهان بر محرومان روا داشتند و دارند، هر چه زودتر انشاءالله خداوند ما را از شر آنها نجات داده و آزاد کند.

و منظور از درو گیاهان می‌تواند نابود شدن زراعت‌ها در اثر بمباران‌ها و آتش سوزی‌ها و دیگر حوادث زمینی و آسمانی باشد، مانند جاری شدن نفت روی زمین و یا آمدن باران سیاه، که خود اثر سوء روی زراعت می‌گذارد و یا با جاری شدن سیل و یا گِل و لای که از کوه‌های آتشفشان بر روی زراعت جاری می‌شود و آن را نابود می‌کند و امثال این‌ها.

و نیز منظور از، صداها، پشت سر صداها می‌تواند، غرّش توپها، بمب‌ها، هواپیماها و یا ناله بینوایان و نوحه مصیبت دیدگان باشد. مانند آن مصیبتی که شامل حال مردم عراق شد (صدا پشت سر صدا) اوّل غرّش هواپیماها و بعد بمباران و بعد ناله‌ها که فضا را پُر کرد و بعد از آن آوارگی و ناله آن بینوایان بی‌خانمان که در کوه و دشت پیچیده شد.

و آیا برآستی ای خدای سبحان چطور با شنیدن این اخبار غم انگیز، همچنان ساکت بمانیم. و حال ای خدای دو

جهان از تو می‌خواهیم که این روزهای تلخ را به پایان برسانی.  
 و یا آن مصیبتی که امروز شامل حال مردم مظلوم و  
 محروم فلسطین است، مردمی که سال‌های طولانی در برابر دشمن  
 غاصب مقاومت کرده‌اند و بسیاری از آن بندگان مظلوم خدا، به  
 شهادت رسیدند و عده‌ای از آن عزیزان اسیر و یا آواره شدند و  
 تن به هجرت دادند. هجرتی غم‌انگیز، و برآستی آنها به کجا  
 می‌روند؟ خود نمی‌دانند حتی برای چند ساعت دیگر زنده‌اند.  
 ولی ای خدای مهربان می‌دانیم، تنها امید به تو و به تنها یار  
 بیچارگان حضرت مهدی (ع) آنها را زنده و سرپا نگه داشته  
 است. که انشاءالله بیاید و آنها را از این همه خواری و بیچارگی  
 نجات دهد.

آری باید به مردم عزیز و حماسه‌آفرین فلسطین بگوئیم  
 که ای عزیزان غم و درد شما، غم و درد ماست و گرفتاری‌های  
 شما، قلب ما را به درد می‌آورد. و بدانید هر وقت چهره‌ی معصوم  
 شما را که این همه مظلوم واقع شده‌اید در اخبار شبکه می‌بینیم  
 متأثر می‌شویم، اشکمان جاری می‌شود، قلب ما می‌شکند و  
 زبان قاصر ما به خدای مهربان، التماس می‌کند و نجات شما و  
 دیگر محرومان دنیا را از خدا تقاضا دارد. و ما نیز امید داریم که  
 خداوند جواب این همه التماس و تقاضا را بدهد و دعای ما  
 بیچارگان را به اجابت برساند و همگی ما را از این همه نگرانی و  
 سرگردانی نجات دهد.

و حال ای مظلومان جهان شما را به خدا قسم در کنار این همه گرفتاری و مشکلاتی که دشمنان برای شما ایجاد کرده‌اند، در میان فریاد و خروشتان، ملتمسانه آقا و مولا و سرورتان مهدی را از خدا بخواهید و هر بار که سنگی به سوی دشمن جنایت کار خود پرتاب می‌کنید، بهترین عمل آن است که آن یار بیچارگان، مهدی را صدا بزنید و نباید یا مهدی ادر کنی از زبان شما بیفتد و ذکرهای **اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ اتَّحِدُوا اتَّحِدُوا**، و قشنگ ترین شعرها را در زمان پیکارتان بخوانید، تا دشمنان بدانند که شما آقا و مولائی همچون مهدی دارید که هیچ کس در مقابل قدرت الهی او نمی‌تواند سر بلند کند.

آری بگذارید دشمنان احمق شما نام آن تنها قهرمان دنیا را بشنوند و قلب مرده آنها بلرزد و بدانند نزدیک است که سرشان با تیغ شمشیرش قطع شده و برای همیشه نزد اربابشان شیطان بروند.

پس بیائید با یک حرکت جدید، در کنار اعمال صالح خودتان، تقاضای ایشان را از خداوند داشته باشید و این را بدانید اگر همه مسلمانان جهان سلاح بر دست بگیرند و به جان دشمنان اسلام و بشریت بیفتند، چندان فایده‌ای نخواهد داشت، مگر این که با کمک مولایمان به جنگ آن ستم گران بی‌دین و بی‌عقل رویم و برای همیشه جسم و روح و عقائد پوچ آنها را به جهنم

بسپاریم.

آری ای شیعیان علی بن ابیطالب، وقت آن رسیده است که جدی و مُصَتَّم برخورد کنیم و در حالیکه به مقاومت خودمان در مقابل دشمن ادامه می‌دهیم، ایمان و معرفت، و اعمال خیر را در خودمان بیشتر از گذشته شکوفا کنیم.

باشد سلاح جنگی ما، همان معرفتی که به اهداف و امام زمانمان پیدا می‌کنیم، و جهاد ما، اعمال صالحمان باشد، که بیشتر از گذشته انشاءالله به آن اهمیت دهیم. و نیز بیائیم خودمان را برای فردا آماده کنیم، همان فردائی که با سرعت به سوی ما می‌آید.

آری برای همان فردائی که مهدی عزیز با یاران پر قدرتش، فرمانده آن جهاد مبارک و موعود خواهد بود و باید ما به عنوان سربازی باوفا و فداکار آمادگی آن روز مبارک و مسعود را داشته باشیم، تا در کنار مولایمان حضرت مهدی (ع) به سرمنزل مقصود برسیم و برای خشنودی پروردگار عالمیان و پیروزی دین احمدی و برای آزادی انسان‌های مظلوم، بزرگترین جشن عالم را در کنار مولایمان شاهد باشیم.

و نیز در همین مورد از رسول اکرم (ص) روایت شده است

در المهدی ص ۲۲۱

يُنزِلُ عَلَيَّ أُمَّتِي بِلَأْلَأٍ لَمْ يُسْمَعْ بِبَلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ بِهِمُ  
الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ!

بر امت من بلائی نازل می‌شود که بلائی سخت تر از آن شنیده نشده است و زمین با این همه وسعت بر آنها تنگ می‌شود. و در حدیث دیگر فرموده است: وقتی کشتار در میان امت من واقع شود تا به روز رستاخیز از میان آنها برداشته نمی‌شود.

و باید گفت تاکنون کشتارهای فراوانی در میان امت اسلامی روی داده است ولی بعد از اشغال فلسطین و تأسیس رژیم خونخوار اسرائیل این کشتارها به گونه‌ای دیگر و متمایز از هر عصری واقع می‌شود که طبق روایات تا روز ظهور حضرت بقیه‌الله (ع) که یکی از مظاهر قیامت است، ادامه خواهد داشت. و با قیام شکوهمند آن مهر تابان، تار و پود صهیونیسم جهانی خواهد گسست و طومار نقشه‌ها، حيله‌ها و توطئه‌های بین‌المللی رژیم اشغالگر برچیده خواهد شد.

به امید رسیدن به آنروز با شکوه

و نیز بار دیگر به عنوان بنده‌ای حقیر از بندگان خدا، به مردم خوب دنیا، آن مردم مظلوم و محرومی که ظالمین با حماقت خودشان، زندگی را برای آنها تلخ کرده‌اند، می‌گویم: که ای مظلومین و ای آوارگان آیا برآستی طبیب دردهای بی‌درمان خودتان را می‌شناسید؟

و آیا به دنبال دواي دردتان هستید؟

آیا می‌خواهید از این همه بیچارگی و خواری نجات پیدا

کنید؟

بدون شک انسان درد کشیده می گوید آری

و من می گویم اگر طبیب را می شناسید، به سویش  
بشتابید، و اگر آن طبیب را نمی شناسید، بدانید که بعد از خدای  
مهربان تنها طبیب دردهای ما بیچارگان دنیا، آقا امام زمان (ع)  
است.

پس بیائید با التماس و با خضوع و خشوع، صدایش کنید  
و از او طلب یاری و مودت داشته باشید و نگذارید بیشتر از این  
وقت تلف شود.

و آیا می دانید که چه نشانه‌هایی را باید داشته باشید تا او  
را بجوئید و راهش را بیوئید؟

باید گفت ای مردم خوب عالم، ای شیعیان علی بن  
ابیطالب، قبل از هر چیز، باید ایمان را در خودمان بارور کنیم و  
ایمان سه مرحله دارد:

اقرار به زبان، اعتقاد قلبی و عمل صالح. که چکیده  
ایمان، باور و تقوی می باشد.

و تقوی این است که انسان، خودش را در محضر خدای  
لایزال بداند و کسی که خدای سبحان را نظاره گر اعمال خود  
بداند، دیگر گناه نمی کند و نیز به داشتن عفت و تقوی، صبر و  
شکیبائی، وحدت و انتظار فرج تاکید شده است.

صبر و انتظار فرج افضل عبادات است که صبر در زمان



غیبت، دستورش مقاومت و پیشروی است و انتظار فرج مبارزه با ستم کاری است.

و ما نیز باید در دوران تاریک و طوفان زده غیبت، برای یگانه منجی عالم بشریت اشک بریزیم و دعا کنیم، زیرا می‌دانیم در زمان غیبت نجاتی نیست، مگر آنکه همچون شخص غریق، پیوسته دعا کرده و نجات را بخواهیم و او را با عافیت بطلبیم، زیرا خداوند جدّ مطهر امام زمان، حضرت مُحَمَّدُ مُصْطَفَى (ص) را به عنوان رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ فرستاد، در حالیکه آقا امام زمان را برای انتقام خواهد فرستاد.

آری او برای کافران و ستمگران، دست انتقام خداست، ولی برای محرومان و مستضعفان از پدر هم مهربان‌تر است. اما چون حدود الهی را دقیقاً اجرا می‌کند و احکام شریعت را مو به مو پیاده می‌کند، ستمگران و جنایتکاران، آن روز مسعود را خوش نخواهند داشت.

پس، وظیفه ما مسلمانان این است که، در کنار هم باشیم و وحدت و دوستی و بیعت خودمان را حفظ کنیم و امام زمانمان را دوست بداریم و تشنه دیدارش باشیم و او را هر صبح و شام به یاری خودمان بطلبیم.

آری دوستش بدارید، همانطور که فرزند صالح خود را دوست می‌دارید، همان فرزند صالحی که به سفر رفته و شما نمی‌دانید چه زمانی بر می‌گردد و مانند پدر و مادر مهربان برایش

دعا کنید و برای موفقیتش قدم خیر بردارید و نگذارید بیشتر از این وقت و عمر شریفتان تلف شود و مانع شوید تا بیشتر از این دشمن موفق به آزار شما شود.

آری شفای دردتان را صدا بزنید، که آن عزیز در غربت مانده، می‌خواهد شما صدایش بزنید و او هم به فریاد شما برسد. به امید آن روزی که سلامش کنید و جواب سلامتتان را بدهد و گوش شما صدای لطیف و زیبایش را بشنود و چشم خسته و گریان شما، چهره زیبا و ملکوتی او را ببیند. به امید آنروز موعود و بسیار زیبا و با شکوه.

و دیگر علائم: از امام صادق (ع) در کتاب الزام الناصب ص ۱۸۳ روایت شده است

وَرَأَيْتَ الْخَرَابَ قَدْ اَدْبَلَ مِنَ الْعُمَرَانِ

و می‌بینی که در تمام جهان آبادی‌ها، تبدیل به ویرانی می‌شود.

و در واقع بر اثر جنگ و دیگر حوادث، خرابی و ویرانی در همه جا ظاهر شده چنانکه در خاور میانه می‌بینیم و از کشورهای دور می‌شنویم.

و در روایت دیگر که از امام صادق (ع) در اعلام الوری ص ۴۳۲ و بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۷ مطرح است.

اِذَا اَنَّ قِيَامَهُ مُطِرَ النَّاسُ جَمَادِيَ الْاٰخِرَةِ، وَ عَشْرَةَ اَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ مَطْرًا لَمْ تَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهُ، فَيُنْبِتُ اللّٰهُ لِحُومِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ

أَبْدَانَهُمْ فِي قُبُورِهِمْ. وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مُقْبِلِينَ مِنْ قَبْلِ  
جُهِينَةَ يَنْقُضُونَ شُعُورَهُمْ مِنَ التَّرَابِ

چون ظهور او نزدیک شود مردم از بارانی در ماه جمادی  
الثانی و ۱۰ روز از رجب و مجموعاً چهل روز برخوردار می‌شوند  
که هرگز در تاریخ آفرینش نظیر آن دیده نشده است. خداوند با  
این باران گوشت و پوست مؤمنان را در داخل قبرهایشان  
می‌رویاند، گوئی با چشم خود می‌بینم که از طرف جُهِینه  
(قبیله‌ای در حوالی مدینه) در حالیکه خاک را از سر و صورتشان  
پاک می‌کنند، می‌آیند.

انشاءالله به زودی شاهد تحقق آن خواهیم بود و در  
انتظار بارش رحمت نشستیم و نوید باران رحمت مقارن ظهور،  
در ضمن بشارتهای سایر ادیان نیز رسیده است.

و حضرت أمير المؤمنين (ع) می‌فرماید در حلیة المتقین در  
رجعت ائمه ص ۵۸

يَا عَجَبًا لِأَمْرَانِ بَيْنَ جُمَادَى وَ رَجَبِ.

از مولا علی (ع) پرسیدند چه امری است اینکه تعجب از  
آن می‌فرمائید؟

فرمود: کدام عَجَب، عَجَب تر است از مردگانی که  
خواهند زد بر فرق زنده‌ها، سوگند به آن خدایی که دانه را  
شکافته و انسان را آفریده، گویا می‌بینم مردگان را که داخل  
کوچه‌های کوفه شده‌اند و تیغ‌های برهنه بر دوش نهاده باشند،

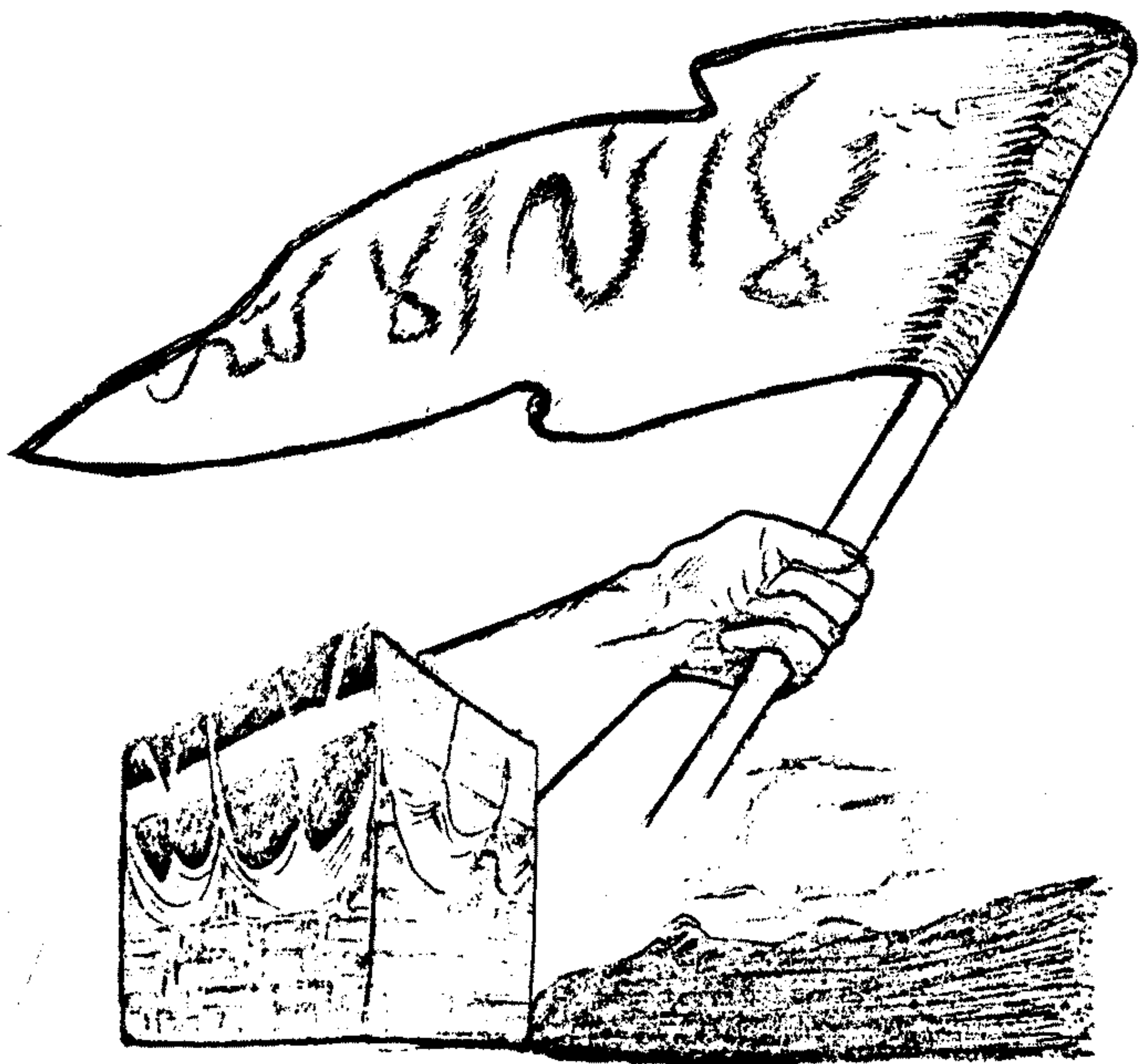
می‌زنند بر دشمنان خدا از اولین و آخرین.  
 و باید گفت بدون شک، آن مُرده‌ها که زنده می‌شوند و  
 با شمشیر بر فرق دشمنان می‌زنند، باید یاران با وفای امام  
 زمان (ع) باشند که در انتظار آن روز موعود، روز شماری  
 می‌کنند. و ما هم امیدواریم که خدای سبحان، هرچه زودتر، آن  
 روز مبارک را برساند، که یاران پر قدرت مهدی موعود (ع) بیایند  
 و در کنار ایشان در آن جهاد پرشکوه شرکت جویند و برای  
 همیشه ظلم و بیداد دشمنان اسلام و بشریت را به پایان برسانند.  
 و باید به دشمنان خدا بگوئیم: ما همراه با خدای مهربان،  
 مُنتظر آن روز موعود هستیم و ایمان داریم آن روز خواهد  
 رسید که برای همیشه ظلم و ستم و ستمگر نابود شود و ما نیز دعا  
 می‌کنیم، که اگر قابل هدایت هستید، متوجه حق و حقیقت شوید  
 و تا زمان دیر نشده، خودتان را نجات دهید، زیرا خداوند دوست  
 دارد که همهٔ بندگانش اهل نجات باشند. و ما نیز برای همهٔ  
 بندگان خدا، آرزوی نجات داریم و امیدواریم که غافلان از  
 غفلت و گناه دور شوند و خودشان را به سعادت و رستگاری  
 بسپارند.

(به امید پیروزی اسلام ناب محمدی)

(منتظر در انتظارش باش)

پایان قسمت دهم طاووس بهشتیان

# يا مهدي ادر گني



### بسمه تعالی

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى الْمُرتَضَى وَ فاطمَةَ الزَّهراءِ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى الْأئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طه وَ يس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ قَدْ تَرَى مَا اَنَا فِيهِ فَفَرِّجْ عَنِّي يَا كَرِيمِ

به نام خداوند بخشاینده مهربان، و نیست نیرو و نه

پشتیبانی به جز خدای والا و بزرگ.

خداوندا تو را می پرستم و از تو یاری می طلبم. براستی که

تو بر درونم آگاهی، پس گشایش ده مرا ای کریم.

و ای خالق هستی بر بندگانت، فرج و گشایشی عنایت

فرما.

بارالها از رسوائی در دنیا و شکنجه در آخرت، به تو پناه

می‌بریم.

پروردگارا تو سلامی و از توست سلامت و به سوی تو، بر  
می‌گردد سلامت.

و تو ای خدای مهربان و پایدار، که ما را زیر چتر انبیاء و  
اولیاء حق قرار دادی تا به سلامت، به سر منزل مقصود، راه یابیم،  
از تو سلامت در دو عالم را خواهانیم، زیرا ما بندگان نیز، بر  
الطاف و عنایات تو شاکریم.

بار الها درود و سلام صمیمانه ما شیعیان، بر انبیاء و  
اولیاء، خصوصاً بر خاتم پیامبران، که او را بر همه هستی برتری  
دادی و به حرمت وجود شریف ایشان، عالم و هستی را آفریدی.  
و در این رابطه پیامبر گرامی اسلام به پسر عم خود،  
حضرت عَلِيُّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) چنین فرمودند:

ای علی خداوند، قبل از هر چیز، ارواح ما را آفرید و ما  
را به توحید و تمجید خود، گویا ساخت. و اگر ما نبودیم، آدم و  
حوا، بهشت و دوزخ، آسمان و زمین را نمی‌آفرید. همچنین مرا بر  
همه پیامبران برتری بخشید و بعد از من برتری از آن تو و امامان  
بعد از توست.

خداوند سپس فرشتگان را آفرید و آنها چون ارواح ما را  
یک نور مشاهده کردند، امور ما را عظیم شمردند، پس ما تسبیح  
گفتیم تا فرشتگان بدانند که ما هم مخلوق هستیم و آفریدگار از  
صفات ما منزّه است، از تسبیح ما ملائکه نیز تسبیح گفتند.

گفتیم اِلهی جُز اَللّٰه، نیست. و گفتیم خدا بزرگتر از آن است که درک شود، و موقعیت او عظیم است و ما بنده او، و او، خدای ماست. پس هنگامی که قدرت ما را دیدند، گفتیم:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و بدین ترتیب فرشتگان به وسیله ما، به معرفت و تسبیح و تهلیل و تمجید خداوند متعال، راهنمایی شدند. سپس وقتی خداوند متعال آدم را آفرید، ما را در پشت او سپرد و به فرشتگان دستور فرمود تا به خاطر تعظیم و احترام ما که در پشت آدم بودیم برای او سجده کنند. و بعد خداوند بندگان خود را که از ابتدا زمان تا روز قیامت باید به دنیا می آمدند، همگی را در عالم ذر (عالم قبل از این عالم) که به صورت ذرات بودند، جمع کرد تا از آنها عهد و پیمان بگیرد و بعد آن ذرات را به صُلب آدم بسپارد.

که در همین حال ندای جانفزائی که همه مردم شنیدند،

بلند شد.

ای مردم آیا من خدا و خالق شما نیستم؟ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟

در جواب همه مردم یک دفعه، مُتَّفِقُ الْكَلِمَةِ عرض

کردند: بلی تو خدای ما هستی و ما بنده و مخلوقیم.

و مرتبه دوّم صدا بلند شد (اَلَيْسَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ؟)

آیا مُحَمَّد (حَبِيبِ مِنْ) پیامبر شما و افضل و اشرف از همه

مخلوقات نیست؟ بعضی در پاسخ اقرار کردند که او اشرف از

همه ماست، چرا که حَبِيبِ توست و بعضی از مردم سکوت نموده



و جوابی ندادند.

و در مرتبه سوّم فرمود: (أَلَيْسَ عَلِيٌّ بِأَمِيرِكُمْ؟)

ای کسانی که به خدا و رسول ایمان آوردید آیا علی، وصی و خلیفه و جانشین مُحَمَّد (ص) نیست؟ آیا علی امیر و بزرگ و صاحب اختیار شما نیست؟

بسیاری از آنها که اقرار به توحید و نبوت کرده بودند، ساکت شدند و جواب ندادند و آنهایی که اعتراف کردند که علی امیرالمؤمنین است و اولاد او حُجَّت‌های خدایند، حَقَّتعالی طبق آیه هفت سوره احزاب، از پیغمبران و اُمّت‌های ایشان، نوشته گرفت.

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمُ مِيثَاقًا غَلِيظًا

یاد آر آنگاه که ما از پیامبران پیمان گرفتیم و هم از تو و پیش از تو، از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، پیمانی سخت.

آری خداوند در عالم ذر پیمان گرفت که به ربوبیت او و به نبوت مُحَمَّد (ص) و به ولایت علی و یازده فرزندش اقرار کنند.

و خداوند آنهایی را که به نبوت و ولایت، اقرار کردند، تاکید فرمودند که بر محبت و اطاعت این دودمان پاک، اُستوار باشند و آنان را ولی و اولی به نفس خویش بدانند.

و در همین رابطه حَقَّتَعَالی فرمود: عهد و پیمان آنهایی که (مُحَمَّد و عَلی) را پذیرفتند، بنویسید و به حَجْرِ بَسْپَارِید که او مَلِکِی است از ملائک و امروز حَجْر به صورت سنگی سیاه بنام حَجْرُ الْأَسْوَد در کعبه است.

و اَمَّا حَجْرٌ، بیعت کنندگان را می بیند و می شناسد. و لذا حاجیان با بوسیدنش تجدید عهد و پیمان می کنند و می گویند: ای مَلِکِ شاهد باش، ما از مُحِبِّان و دوستان علی و اولادش هستیم و نقض عهد و میثاق نکرده ایم.

و نیز حدیثی از حَضْرَتِ اِمَامِ مُحَمَّدِ تَقِی (ع) نقل شده است:

خداوند ارواح خلائق در عالم ذر را در یک موضع جمع کرد، عهد و پیمان گرفت، و حِرْف و صنایع و کسبها و پیشه‌ها را بر ایشان، عرضه نمود، هر کس آن روز کاری و شغلی .... را قبول کرده، به دنیا که می آید پی همان کار می رود.

كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

این است که عَارِفِ رَبَّانِی شیخ عَبْدُ اللَّهِ أَنْصَارِی عرض می کند:

الهی، همه از روز آخر ترسند، عَبْدُ اللَّهِ از روز اول، نمی دانم آن روز چه اختیار کرده ام.

وقتی که حَقَّتَعَالی از خلائق عهد و میثاق گرفت، فرمود: که من مردم را از نور و ظلمت خَلَق کرده ام، نور اِقْتِضای طَاعَتِ

می‌کند و ظلمتِ اِقتضایِ مَعْصیت. لازمهٔ اطاعت و بندگی آن است که صاحبش را به بهشت ببریم، و لازمهٔ مَعْصیت و نافرمانی آنست که فاعلش را عِتَاب و عِقَاب کنیم و به آتش دوزخ عذاب نمائیم.

و بار دیگر خداوند فرمود:

فَهَلْ مِنْكُمْ مَنْ يَشْتَرِي الذُّنُوبَ وَالْمَعَاصِيَ الَّتِي تَصْدُرُ مِنَ النَّاسِ

آیا در میان شما کسی هست که مشتری شود و گناهان را بخرد و مَعْصیت کاران را از جهنم نجات بدهد و روز قیامت عِلْمِ شفاعت برافرازد و نگذارد مجرمی به نار جحیم بگدازد؟  
آیا در میان شما کسی هست که از من عاصیان امتِ پیامبران را بخرد و معامله با خدای خود کند. و در امت پیغمبر آخرالزمان، گناهکار از همه امت‌ها بیشتر است.

پس کسی جواب نداد و خداوند این کلام را تا سه مرتبه اعاده کرد و بیان فرمود.

و در مرتبه سوم فعندها آبی الضیم الحسین فقال یا رب انا اشتری الذنوب والمعاصی التي تصدر عن امة جدی که در اینجا گلگون کفن عرصهٔ دشت کربلا حضرت ابی عبدالله (ع) قد مردانگی راست کرد و عرضه داشت: پروردگارا من گناهان امت جدم را می‌خرم.

بِرَبِساطِ قَرَبِ زَانُوزِ حَسِينِ

که خریدارش منم بر رأس و عین

خطاب رسید که ای بنده من به چه می‌خری گناهان را؟  
عرض کرد: به قیمت گران می‌خرم، مال قابل نیست که  
اسم ببرم، گناهان امت جدم را در عوض سر و جان می‌خرم.  
خداوند فرمود به چه می‌خری گناهانی را که از جوانان  
امت جدت صادر می‌شود؟

بِمَ تَشْتَرِي الذَّنُوبَ وَالْمَعَاصِيَ الَّتِي تَصْنُدُرُ مِنْ شَبَابِ أُمَّةٍ جَدِّكَ  
عرض کرد جوانان خود را می‌دهم از برادران و برادر زادگان و  
دست‌های بریده برادرم عباس را می‌دهم. علی اکبر جوان هیجده  
ساله را می‌دهم که بدنش را با نیزه و شمشیر، قطعه قطعه کنند.  
حلقوم طفل شیر خوار علی اصغر را می‌دهم که حرمله  
نشان تیر کند.

و بار دیگر خدای سبحان فرمود:

ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ يَا حُسَيْنُ بِمَ تَشْتَرِي الذَّنُوبَ وَالْمَعَاصِيَ الَّتِي  
تَصْنُدُرُ مِنْ نِسَاءِ أُمَّةٍ جَدِّكَ

بگو گناهان زنان امت جدت را به چه می‌خری؟ عرض

کرد:

أَشْتَرِيهَا بِسَبِي نِسَائِي وَبَنَاتِي

می‌خرم به اسیری خواهرم زینب و کلثوم، و راضی  
می‌شوم سکینه نازدانه را شتر سوار کنند و فاطمه عزیزم را نام

کنیزی بر سرش بگذارند.

### قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قَدْ قَبَلْنَا ذَلِكَ

خداوند فرمود: بس است، ما هم قبول معامله کردیم و خطاب به ملائکه فرمودند: که ای ملائکه شما هم بر این معامله شاهد باشید.

و چون حسین بن علی (ع) به دنیا آمد و بیشتر از هفت سال از عمر شریفش نمی گذشت، خداوند جبرئیل را نزد حضرت رسول (ص) فرستاد تا در امری که در عالم ذر بین او و حسین مطرح شده بود، تجدید عهد و پیمان کند، سپس جبرئیل عرض کرد یا رسول الله حسین را طلب کن و یادآوری کن این معامله را، که در عالم ذر کرده و اگر پشیمانی ندارد و بر سر حرف خود می باشد در این خصوص نوشته ای بدهد

رسول گرامی (ص) فرزند دلبندهش حسین بن علی (ع) را طلبید و او را در دامن خود نشانید و گفت جدت به فدای تو، جبرئیل می گوید در عالم ذر با خدای خود معامله کرده و گناهان امت مرا خریده ای به این که جوانانت کشته و اصحابت به خون آغشته شوند و زنان و عیالت را به اسیری برند و خودت را با لب تشنه بعد از زخم و جراحی بی شمار سرت را از قفا ببرند و اسب بر پیکرت بتازند و تو را به شام برند و در مجلس شراب چوب بر لب زینند.

عرض کرد: یا جَدًّا من این معامله را کرده ام و امروز هم

قبول دارم.

و جبرئیل در این خصوص ورقه‌ایی نوشت و آن عهدنامه را پیامبر و امیر مومنان و برادرش حسن و مادرش فاطمه زهرا سلام الله علیهم اجمعین مهر کردند و شاهد شدند و جبرئیل آن عهدنامه را برد، تا شب عاشورا بیاورد و تجدید عهد و پیمان کند. آری بدین ترتیب زمان سپری شد تا این که دوران امامت آن پیشوای مظلومان رسید و در یکی از روزها حضرت حسین (ع) در مدینه به سر قبر رسول اکرم (ص) رفتند و چنین عرضه داشتند:

یا رسول الله سلام بر تو باد، من حسین پسر تو و پاره دل دخترت فاطمه هستم. و بعد از آن در حالی که حضرت از دست مردمی که حق او را ضایع می‌کردند به جدش شکایت می‌نمود، که در همین حال چشم حضرت گرم شد و خواب دیدند که جدش او را به مکه راهی می‌کند و ایشان طبق دستور جد مطهرش با اهل بیت راهی آن دیار شدند و به مدت چهار ماه در مکه ماندند تا وقت حضور و وقوف مردم در عرفات فرا رسید.

و از طرفی مردم کوفه وقتی مرگ معاویه را دیدند و مخالفت حضرت حسین بن علی (ع) را با یزید شنیدند، تصمیم به یاری امام حسین (ع) گرفتند و سعی کردند آقا را دعوت کنند و نامه‌ایی به این مضمون به حضرت نوشتند که ما امام و پیشوایی نداریم و چشم امید به شما داریم. به شهر ما قدم رنجه بفرما تا

شاید از برکت قدوم شما خداوند حق و عدالت را بر ما ظاهر سازد و بعد هزاران نامه از کوفه به حضرت رسید و حضرت قبول کرد که به آن دیار آید، لذا مُسَلِّمُ بْنُ عَقِيلِ (ع) را به عنوان قاصد با جواب مثبت، به همراه دو نفر از مدینه به کوفه فرستاد که در راه دو همراهش از پا در آمدند و خود او را در کوفه کشتند در حالی که هیچده هزار نفر با مُسَلِّمُ بْنُ عَقِيلِ بیعت کرده بودند، بیعتی که با زبان به حسین لبیک گفتند، در حالی که شمشیرهایشان به نفع معاویه کار می کرد.

بالآخره حضرت با اهل بیت راهی کوفه شد در حالی که از سرنوشت خود و اهل بیتش با اطلاع بود و می دانست بر آنها چه خواهد گذشت.

روایت است که وقتی غافله حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در راه بود ایشان از فرط خستگی در مسیر، سر روی قربوس زین گذاشت و طولی نکشید که سر بلند نمود و فرمود:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

همگی از گفتار آقا تعجب کردند. حضرت علی اکبر (ع) از پدر پرسیدند چه شد که اینطور فرمودی انا لله ...

پدر جواب داد در عالم روّیا صدای هاتفی به گوشم رسید که گفت این غافله حرکت می کند ولی مرگ آن را تعقیب می کند و حال پسر ما به سوی مرگ می رویم.

آری حضرت راه را طی کرد تا به آنجا که سر راهش را

گرفتند و از او خواستند یا برگردد، یا بیعت کند و یا جنگیدن را انتخاب نماید و ایشان جهاد را پذیرفت.

او می‌خواست جهاد کند تا جهالت و بی‌دینی و باطل را از میان بردارد و حق و حقیقت و اسلام محمدی (ص) را برقرار سازد. او با این عملش می‌خواست انسان را به سرمنزل مقصود و به بهشت موعود و به رستگاری سوق دهد. گوئی او فقط با جهاد و قیامش می‌توانست درمان دردها باشد.

آری او همراه با اهل بیتش دیار به دیار رفت، به دیاری که از روز ازل آدرس آن را به او داده بودند.

براستی چه روزی و چقدر غم انگیز، ولی چه باشکوه انسان‌های پاکی که انسانیت توأم با شرافت و شهامت و ایثار را به نمایش گذاشته بودند تا بالاخره رسیدند به جایی که اسب آن ابر مرد عالم، نور دیده مادر و آن امید انسان‌های در بند ایستاد و حرکت نکرد و در آن وقت مولای ما حسین بن علی (ع) به قافله گفت: بایستید و کسی را صدا بزنید تا پرسیم نام این دیار چیست؟

راوی گوید پیر مردی را صدا زدیم و نام آن دیار را پرسیدیم. آن پیر مرد گفت: اینجا قادسیه است. اینجا را شاطی الفراط و نینوا هم گویند. و نام دیگر این دیار کربلاست.

می‌گویند همین که حضرت نام کربلا را شنید، فرمود: این سرزمین کربلاست این‌جاست که محل آسایش ابدی ماست.



اینجا جای درگذشت و شهادت ماست که رجال ما را می‌کشند و ما را به سرنوشت حقیقی خود می‌رسانند.

آری آنها از دوم ماه محرم در آن دیار مستقر شدند و روز هشتم قرار جنگ گذاشته شد که حضرت از دشمن خواست روز تاسوعا را روز وداع و خداحافظی مردان، با اهل بیت آزاد بگذارند و روز دهم جنگ آغاز شود و بدین ترتیب روز پر از غم و درد تاسوعا، روز وداع اهل بیت بود و براستی چه روز و چه شبی! همه‌اش غوغا و شیون بود. چه سخن‌ها و چه مصاحبه‌ها و چه اشعاری که تا صبح سرودند.

و حال خدایا تو را به حرمت عزیزانی که در آن شب عزیز با مظلومیت و غم و اندوه در غربت از یکدیگر جدا شدند قسمت می‌دهیم، شیعیان دنیا را که ظالمان عالم آنها را زیر سلطه و ستم خود بیچاره و آواره و خوار کرده‌اند، نجات مرحمت بفرما و بیش از این تیره روزی را بر ما مپسند.

و برسان آن یار بیچارگان عالم را، تا بندهای بسته شده به پای ما بندگان ضعیف را بگشاید.

زیرا ای خدای دو جهان می‌دانیم، بعد از تو اوست که می‌تواند ما را از این همه بیچارگی نجات دهد و ما با آرزوی دیدار آن منجی صبح را به شب و شب را به صبح می‌رسانیم، در حالی که می‌دانیم او پناه بی‌پناهان است.

بارالها ای پناه دهنده بی‌پناهان و ای امید امیدواران و ای

کس بی کسان، آیا امروز وقت آن نرسیده است که از تو سوال کنیم نجات دهنده ما کجاست؟

آری باید از تو بپرسیم زیرا فقط تو می دانی

یا غیاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ كُو پناه بی پناهان

غوث اَمّت، غیث رحمت، آیت غفران نیامد

آرزوئی غیر دیدارش به دل ما را نباشد

منتهای آرزوی آرزومندان نیامد

آری او نیامد، تا ما را از این همه غم و اندوه نجات دهد،

در حالی که ما منتظران مدتی است طولانی چشم به راهش

هستیم و تو ای خدا می دانی که انتظار چقدر تلخ است. پس تو را

قسم به اسیران کربلا با آمدن آن منجی انتظار ما را به شیرینی

مبدّل بفرما. امید به عنایت تو داریم.

بالآخره روز تاسوعا سپری می شد تا به تاریکی شب رسید

و در آن شب که شب عاشورا بود حضرت جبرئیل (ع) عهدنامه

را آورد و عرض کرد "ای حسین" خدا می فرماید: اگر از معامله

پشیمانی داری، بر تو سخت نمی گیرم و می توانی معامله را فسخ

کنی.

فرمود: نه، از این معامله پشیمانی ندارم.

و بدین ترتیب حضرت جبرئیل به آسمان عروج کرد و

چون صبح عاشورا دریده گریبان از فلک نیلگون طالع گردید و

سفید افق با اشک خونین شفق درخشیدن گرفت، آن جرعه

نوش جام بلا، آری جام بلا که در روز ازل خداوند برای پنج تن آل عبا فرستاد و رسول گرامی اسلام (ص) اولین نفری بود که جام را از جبرئیل گرفت و جرعه‌ای نوشید و بعد از رسول الله، حضرت علی (ع) نیز جرعه‌ای نوشیدند و پس از مولا علی (ع) حضرت فاطمه زهرا (س) جرعه‌ای و بعد حضرت امام حسن مجتبی (ع) از آن نوشید و وقتی نوبت به امام حسین (ع) رسید ایشان جام را گرفتند و تا به آخر نوشیدند، که همگی با تعجب و هیجان گفتند: یا حسین چه شده است تو را که این چنین عمل کردی؟

گویا مولای ما بیچارگان با آن همه محبت و ایثار خود می‌خواستند بگویند که حاضرند تا بلا کش شیعیان باشند، آن بلائی که باید میان همگی ما مردم تقسیم می‌شد، ولی ایشان یک تنه همگی را قبول کردند

آری آن جرعه نوش جام بلا با اصحاب باوفا، از بی‌آبی به خاک گرم کربلا تیمم نمودند و مشغول نماز جماعت و سرگرم بندگی و طاعت حق تعالی شدند که پیک حضرت حق در رسید و بعد از تبلیغ سلام و درود و اکرام عرض کرد:

ای مرکز دایره عرفان، ای پیشرو سالکان و ای سر دفتر عاشقان، ای عارف عرفات و ای تشنه لب وادی شهادت، امروز، روز موعود است که عهد بسته‌ای و باید به شوقی به میدان روی که عاشقان به کوی معشوقان می‌روند.

مولا حسین فرمود: ای جبرئیل ببین از پیر و جوان، فقیر و غنی، خواهران سینه ریشان و زنان موپیشان، کنیزان و خویشان، همه را مستعد اسیری ساختم، این برادر و این برادر زادگان، این علی اکبر و این علی اصغر، قاسم و عباس، عون و جعفر، دختران و خواهران و کودکان مالکم از هر چه در ملک جهان جمله را آورده‌ام قربان کنم بعد از آن خود نیز ترک جان کنم.

جبرئیل گفت: حجت تمام شد حال مهیای نزول بلا شو و هر چه فروخته‌ای به عرصه میدان بیاور و تسلیم کن.

جبرئیل برخاست و عروج نمود و در میانه هوا فرمود:

یا خیلَ اللَّهِ اِرْكَبُوا

ای لشکر خدا سوار شوید.

همه این صدا را شنیدند و سوار شدند، بعد از آن که از دو طرف حزب الله و حزب شیطان صف آرائی کردند و حضرت پس از امر به معروف و نهی از منکر که اثری در دشمن نداشت، اولین یار خودش علی اکبر هیجده ساله را به میدان فرستاد که بانگ گریه و ناله زنان و کودکان به آسمان بلند شد.

حضرت او را مهیای جنگ کرد و به سوی دشمنان فرستاد تا قربانی شدنش را ببیند. آیا می‌دانید چرا اول بار پسرش علی اکبر را به میدان فرستاد؟ به جهت آنکه هرگاه کسی معامله کند، هر چه محبوب‌تر و مرغوب‌تر است به نظر مشتری می‌رساند، معلوم است حضرت از علی اکبر بهتری نداشت چرا

که در خلق و خوی و گفتار شبیه به پیامبر بود.

آری او به میدان رفت و با شجاعت می‌جنگید در حالی که حیدر کرار، را به یاد دشمنان می‌آورد. او که مجروح شده بود و تشنگی آزارش می‌داد و دشمن هم از این فرصت استفاده کرد و با شمشیر بر فرق مبارک زد و بعد هر یک از دشمنان تیری بر بدن او می‌زدند و اسب حضرت به تاخت و تاز پرداخت، در حالی که صاحبش به گردن اسب آویخته شده بود و از جلوی هر کدام از دشمنان که زد می‌شد تیری و زخمی به او می‌زدند.

وقتی که نزدیک بود روحش به آسمان پرواز کند، فریاد زد ای پدر، اینک جد من رسول خدا حاضر است و می‌خواهد به من شربت بنوشاند که هرگز بعد از این تشنگی آزارم نخواهد داد و وقتی حضرت صدای فرزند ناکام خود را شنید چنان صیحه‌ای زد که همه اهل بیت شنیدند، آن گاه اهل کوفه را نفرین کرد و گفت: ای کوفیان امیدوارم دیده‌هایتان گریان باشد و ناله‌هایتان از سینه بریده نگردد و خداوند بر کاتش را از شما بردارد و جماعتتان را متفرق سازد و همان طور که نفرین می‌کرد خود را به میان میدان رساند و مردان ابن سعد را پراکنده ساخت، در حالی که علی، علی، می‌گفت به بالین فرزند جوان خود رسید و از اسب به زیر آمد و فرزند را به سینه چسبانید و چهره مبارکش را به صورت نهاد، علی اکبر چشم گشود و عرض کرد: ای پدر بزرگوار می‌بینم که درهای آسمان باز شد و حوران بهشتی جمع

شده و جام‌های سرشار از شربت بر کف دارند و مرا به سوی خویش دعوت می‌کنند، اینک من بدان سرای سفر می‌کنم و می‌خواهم که این زنان بی‌یار و یاور در سوگواری من چهره نخرانند، این بگفت و روح از بدنش پرواز نمود.

حضرت بدن تکه تکه علی اکبر را به طرف خیمه‌ها آورد ناله و فریاد از اهل بیت برخاست زینب بیرون دوید و خود را روی جسد علی اکبر انداخت و فریاد و ناله‌اش به آسمان بلند شد. امام حسین (ع) دست خواهر رنج دیده خود را گرفت و او را به خیمه‌ها باز گردانید و فرمود:

گریه شما بعد از این است، و بعد از آن به میدان رفت.  
آری در آن روز غم انگیز زمین و آسمان شاهد شدند که اول شهید دشت کربلا حضرت علی اکبر (ع) خون پاکش بر زمین گرم کربلا جاری شد. همان طور که در زیارتش می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ

و حال خداوندا تو را به علی اکبر پاک و معصوم و نور دیده مادرش لیلا و به همه آن جوانان ناکامی که به قیمت شهادتشان دین تو را یاری کردند، قسمت می‌دهیم، ما بیچارگان را از این همه نگرانی، سرگردانی و غم و غصه نجات ده و ظهور مولای ما را مقرر بفرما.

آری بعد از داغ علی اکبر هیجده ساله که بر قلب پاک

حضرت حسین (ع) گذاشته شد، حضرت به میدان رفت و بار دیگر دشمنان را فرا خواند و خطاب به آنها فرمود:

منم پسر رسول خدا و شما به حریم او تجاوز کردید و ای مردم بدانید این دنیا محل فنا و زوال است و بدانید شیطان بر شما غالب شده و شما شیفته دنیا شده‌اید در حالی که من شما را به راه راست هدایت می‌کنم، به من گوش دهید تا بشنوید چه می‌گویم، وای بر شما، چرا سخنان مرا گوش نمی‌دهید، در حالی که من می‌خواهم شما رستگار شوید و بدانید اگر این راه را طی کنید، هلاک خواهید شد.

حضرت گفت آنچه را که باید می‌گفت، ولی دشمنان اصرار داشتند بچنگند و سپاه کوفه یاران حضرت را به حمله‌ای نا جوانمردانه محاصره کردند و جنگ ادامه پیدا کرد و یاران حضرت هر کدام به نوبه خود حماسه آفریدند کشتند و بالاخره خود به شهادت رسیدند و عده کمی از یاران باقی مانده بودند که حضرت حسین (ع) سر به آسمان بلند کرده و متوجه شدند وقت نماز است و ایشان از دشمنان خواستند که لحظاتی جنگ متوقف شود تا نماز به پا دارند، ولی آنان نپذیرفتند. آنجا بود که یاران باوفای ابا عبدالله الحسین (ع) حضرت را هم چون نگینی با ارزش در بر گرفتند و اولین سپر بلا حبیب بن مظاهر قبل از نماز به شهادت رسید و زهیر بن القین و سعید بن عبدالله در مقابل حضرت، سینه خود را سپر بلا قرار دادند، تا از پای در آمدند و

بعد از نماز حضرت حسین (ع) بقیه یاران خود را به جهاد ترغیب فرمودند و به آنها بشارت می‌دادند که ای یاران من، بدانید درهای بهشت باز و قصور بهشت مزین می‌باشد و جدم رسول خدا و شهیدان و پدر و مادرم انتظار قدوم شما را دارند و مشتاق دیدارتان هستند، پس بجنگید و دین مرا نجات دهید و مرا یاری کنید و به جهت اتمام حجت فرمود:

هل من راحم ، هل من ناصر ، هل من مجیر

حضرت بااستغاثه می‌فرمود، که صدای آن مظلوم به گوش سید سجاد (ع) رسید. از بستر بیماری برخاست جواب داد: لبیک، لبیک، من هستم و نیم جانی که دارم فدایت می‌کنم. شمشیری برداشت، قوتش نرسید نیزه برداشت، اُفتان و خیزان به سمت میدان روانه شد، جناب سیدالشهدا (ع) به کلثوم فرمود او را مگذارید به میدان بیاید ام کلثوم خواست مانع شود ولی حضرت قبول نکرد و فرمود بگذار تا یاریش کنم، ببین با فرزند رسول خدا چه می‌کنند و او می‌خواست که ادامه راه دهد تا به میدان برسد، که خود امام آمد و او را برگردانید و در بستر خوابانید و فرمود:

برگرد علیل و ناتوانم، آرام دل و سرور جانم، برگرد مرو به سوی شمشیر، بنشین تو در انتظار زنجیر، ای فرزند تو باید عیال در بدر را به مدینه برگردانی و سلام مرا به قبر جد و مادر و برادرم برسانی. سلام مرا به خواهرت فاطمه برسان، سلام مرا به شیعیان برسان، بگو پدرم فرمود: از همه شما توقع دارم هر



وقت آب سرد بنوشید از لب تشنه من یاد کنید و ترک زیارت من غریب نکنید.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِ الْحُسَيْنِ (ع)

سلام بر تو ای ابا عبد الله و بر آن روان هائی که فرود آمدند به در گهت. بر تو باد از من سلام خدا برای همیشه تا که باقیم و باقی است شب و روز و نگرداند آن را خدا آخر بار آشنائی از زیارت من شما را. سلام بر حسین و بر علی بن حسین و بر فرزندان حسین و بر یاران حسین و بر اهل بیت حسین (ع).

أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمَصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (ع) وَ جَعَلْنَا وَ آيَاتِكُمْ مِنْ الطَّالِبِينَ بِنَاهِ مَعَ وَكَيْتِهِ الْأَمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ع) بزرگ فرماید خدای اجر و مزد ما را در سوگواری و مصیبت بر حسین (ع) و بگرداند ما و شما را از خونخواهان او با ولی خود حضرت امام مهدی از آل محمد که بر ایشان درود باد. آری بدین ترتیب آن روز غم انگیز برای آن عده ایثارگر و قهرمان به آنجا می رسید، که آخرین نفر از عزیزان خود را که عزیز رهبر و پیشوائی هم چون حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) را از دست بدهند. و حضرت که همگی یاران را از دست داده

بودند روی به خیمه‌ها کرده و آن گاه یک یک فرزندان خود را صدا زدند و آنها را به صبر تشویق کرده و فرمودند:

ای روشنی‌های چشم من خداوند در دنیا و آخرت از شما جدا نخواهد بود و بدانید این دنیا را بقائی نیست و آخرت سرای جاودانی می‌باشد. و اسرار امامت و خلافت را به امام سجاد (ع) سپرد و فرمود: ودایع انبیاء و اوصیاء و کتبی که به ودیعت داشته، نزد اُمّ سلمه گذاشته است که پس از مراجعت از کربلا تسلیم خواهد شد.

آن گاه حضرت زینب، خواهر غم دیده‌اش را طلب فرمود و خواست تا جامه فرسوده و کهنه برایش حاضر کند که ارزش نداشته باشد تا وقتی کشته می‌شود از نظر گرانی قیمت لباس را از تن امام بیرون نیاورند.

خانم حضرت زینب (ع) جامه را آورد و حضرت آن را بیشتر پاره کرد تا بی ارزش تر شود و سلاح جنگ بر خود بست. در حالی که اهل بیت ناله سر داده بودند که ناله‌شان به آسمان بلند شده بود و علی اصغر که هنوز شش ماه بیش نداشت از کثرت عطش و گرسنگی می‌نالید، زیرا مادرش از شدت تشنگی شیر در سینه نداشت تا طفل را سیر کند امام (ع) فرمود:

فرزند من علی را به من بدهید تا با او وداع کنم، آن گاه قنداقه طفل را گرفت و صورتش را بوسید و گفت:

وای بر این قوم و آن روزی که جدّ تو محمد مصطفی با

ایشان خصومت آغاز کند، سپس آن طفل را مقابل صف دشمنان روی دست گرفت و گفت:

بارخدا یا در گنجینه من جز این گوهر بجای نمانده و او را نیز می‌خواهم در راه تو فدا کنم. آن گاه خطاب به کوفیان فرمود:

ای شیعیان آل ابوسفیان اگر مرا گناه کار دانسته‌اید، به این کودک که گناهی نتوانید بست، لااقل چند قطره‌ای آب بدهید که طاقت تشنگی ندارد، ولی افسوس که هیچ کس چیزی نگفت.

ناگاه حرمله بن کامل اسدی، تیری به چله کمان گذاشت و به سوی طفل رها ساخت و آن تیر مستقیماً بر حلقوم علی اصغر اصابت کرد و خون مانند فواره روان گشت و امام کف دست به زیر آن خون گرفت و وقتی پُر شد به سوی آسمان افشاند. عجب آنکه حتی یک قطره از آن خون به زمین باز نگشت.

و گویند در آن روز حضرت نفرمود که‌ای امت کاش می‌بودید و می‌دیدید که چگونه فرق علی اکبرم را شکافتند و بدن قاسم داماد را زیر شمشیر اسبان خرد کردند و چگونه دست برادرم عباس را از بدن جدا کردند، ولی در رابطه با علی اصغر فرمود:

کاش می‌بودید در روز عاشورا و می‌دیدید که من به چه نوع برای طفل شیر خواره خود طلب آب می‌کردم و می‌گفتم ای

مردم در هیچ مذهبی کودکانی همچون اصفغر گناهی ندارند، یک جرعه آب به لب تشنه‌اش برسانید، ولی آنها رحم نکردند و من می‌دانستم آنها چه خواهند کرد و علی اصفغر را آوردم، تا حدود ظلم و ستم آنها را ثابت کنم.

آری در آن روز علی اصفغر همچون غنچه‌ای نشکفته در آغوش پدر بزرگوارش پُرپر شد و پدر با دلی شکسته و اشکی که در چشمان مبارکش حلقه زده بود، بار دیگر کوفیان را نفرین کرد و از خداوند خواست که انتقامش را بگیرد و در آن حال به سوی خیمه‌ها بازگشت و حفره‌ای در زمین ایجاد کرد و طفل را مدفون ساخت و سپس به سوی لشگریان ابن سعد آمد و رو به آنها نمود و فرمود:

ای پسر سعد، می‌خواهم که از سه کاری که را انتخاب کنی، اول اگر می‌توانی مرا آزاد کنی تا به مدینه مراجعت کرده و در حرم جدّم اقامت کنم ابن سعد گفت: این کار غیر ممکن است.

دوّم این که به ما آب بدهید زیرا جگرهای اهل بیت من از شدت تشنگی می‌سوزد ابن سعد بار دیگر گفت این کار نیز مقدور نمی‌باشد.

سوّم این که در صورت جنگیدن من یک نفر بیش نیستم و یک تنه به میدان آمدم، پس از جانب شما هم یک تن به میدان بیاید و با من مبارزه کند. ابن سعد گفت این کار میسر است و من

هم قبول دارم. و بدین ترتیب حضرت حسین (ع) به هدف و منظور خود دست یافتند، که دشمنان یک به یک به میدان بیایند و با او بجنگند تا آن حضرت با نیروی الهی خود دشمنان خدا را به درک بفرستند. همین طور هم شد، آنقدر مولای ما ابا عبد الله الحسین از آن مردان کافر بی رحم، کشتند که یک وقت ابن سعد متوجه شد که تعداد کشتگان از شمارش بیرون شده، با خود گفت که در پهن دشت آفرینش، هیچ کس قدرت مقابله با حسین را ندارد و اگر بدین منوال پیش رود، یک نفر از مردان جنگی باقی نخواهد ماند. ناچار بانگ بر سپاه زد، آیا میدانید او کیست؟ او پسر علی بن ابیطالب است که از شجاعان عرب بوده است. و پیمان با حسین (ع) را شکست و فرمان داد تا لشگر به یک باره از جا کنده شوند و مانند طوفان به جانب حسین سرازیر گشتند، در حالی که خانم حضرت زینب (س) از شکاف خیمه نگاه می کرد و می دید که چگونه دور برادر عزیزش حسین را گرفته اند و هر کدام که می رسیدند ضربتی به او می زدند.

و حال چطور بپرسیم حال آن باغبان شوریده حالی را که گل های پرپر خود را نظاره می کند که طوفانی از خشم و بی رحمی و نا جوانمردی این بلا را برایش به ارمغان آوردند.

و حال ای دختر علی، ای خواهر حسین، ای زینب بزرگ، ای پیک انقلاب شهیدان کربلا، از ما به تو درود فراوان و بی شمار، فریاد و ایثار و صبر تو حماسه جاوید کربلاست، از

کربلای حسین تا کربلای ایران.

آری کربلای ایران که یاوران عاشق و گمنامی به امید پیروزی اسلام هزاران کربلای دیگر آفریدند و به امید زیارت تربت هفتاد و دو لاله خونین، هفتاد و دو هزار مزار بی نام نشان بنا کردند. و براستی ای بزرگ بانوی عالم نمی‌دانیم، چگونه زمین و آسمان، آن همه بلا و درد و غم را مشاهده کرد و از هم پاشیده نشد.

و حال خدایا، تو را به آن لحظه غم انگیز و پر درد زینب قسمت می‌دهیم، آن روز موعود را هر چه زودتر برسانی که با مهدی عزیز انتقام خون به ناحق ریخته شده حسین و یارانش و حسین‌های زمان را بگیریم، و آن روز را برسان که خانه ویران ابا عبد الله الحسین را با دست‌های مبارک مهدی و یاران باوفایش ترمیم کرده و پرچم لا اله الا الله را بر فراز خانه‌اش به اهتزاز در آوریم، تا قلب مجروح و پر درد مولایمان حسین (ع)، التیام گیرد.

آری دشمنان خبیث و شیطان صفت، ضربت‌ها بر بدن مبارک مولایمان زدند و با دوازده ضربه سر آن حضرت را از قفا جدا کردند و بر سر نیزه نمودند و آن لشگریان کافر به عنوان شادی و پیروزی، سه بار تکبیر گفتند و آن گاه زینب عزیز و ستم دیده که سر برادر بر نیزه دید، از خیمه بیرون آمد، و صدای *وامحمدًا و اعلیًا و احسنًا* سر داد. ناله و شیون کرد و خاک

گرم کربلا را بر سر ریخت و گفت امروز، روزی است که پدرم علی و برادرم حسن، از دنیا رفته‌اند. کاش مادر مرا نمی‌زاد، کاش چشمم کور می‌شد و ریش پر خون برادرم را نمی‌دیدم.

آری بدین ترتیب روح پاک و ملکوتی حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) پس از شهادت به عرش حق تعالی عروج کرد، در حالی که جد و پدر و مادر و برادر بزرگوار ایشان و جمیع اهل آسمان انتظار قدوم مبارکش را می‌کشیدند.

پس او به عرش پیوست، در حالی که حمزه سیدالشهداء از جانب راست و جعفر طیار از جانب چپ، او را همراهی می‌کردند و حضرت رسول گرامی پس از دیدار، ایشان را به سینه خود چسبانیده و گفتند: فدای تو شوم ای حسین، ای نور دیده من، روشن باد دو دیده من بر تو، ای حماسه آفرین دشت کربلا. و بدان بقاء دین مبین اسلام مرهون جهاد و فداکاری توست ای حسین.

و در همان حال مادر بزرگوارش حضرت فاطمه زهرا (ع) از جا برخاست و عرض کرد: خداوندا وفا کن به وعده‌ات که با من کرده‌ای، آنهایی که ظلم کردند و حق مرا غصب کردند و مرا زدند و به جزع آوردند و ستم‌هایی که بر جمیع فرزندان من کردند بگفت و گریه کرد.

پس بر او ملائکه آسمان‌های هفتگانه و حاملان عرش الهی گریستند. پس خداوند به وعده خود عمل کند.

گناه کاران و مومنین در زمان حضرت مهدی موعود (ع) رجعت کنند، تا به جزایشان برسند که گناه کاران هزار هزار بار کشته و زنده شوند تا انتقام از آنها گرفته شود. و از مومنین تجلیل به عمل آید در حالی که مهدی آخرالزمان با جامه خون آلود جدش همان طوری که پیشانی نورانی او را مجروح کردند و دندان مبارکش را شکستند، به تن داشته باشد و ملائکه به دور او باشند تا بایستد پیش جدّ امجدش و بگوید: مرا وصف کردی برای مردم، نام و کنیه مرا گفتی، پس امت تو انکار حق کردند و اطاعت من نکردند و گفتند متولد نشده و یا گفتند مرده است و یا اگر می بود این قدر غایب نمی شد، پس صبر کردم تا حال که حقتعالی مرا رخصت فرمود که ظاهر شوم. پس حضرت رسول اکرم (ص) پس از حمد و ثنا گوید:

آمد یاری و فتح الهی و دین حق و کشنده مشرکان.

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

پس بدین ترتیب پروردگار عالمیان نعمت خود را تمام کند، باشد در آن روز زیبا و باشکوه به همراه مولایمان مهدی (ع) به آن سرزمین موعود قدم گذاریم و شاهد پیاده شدن حق باشیم و خود را در سایه آقا امام زمان (ع) که عین حق هستند، به بهشت خدا و به خود خدا برسانیم.

و باید بگوئیم گرامی باد انقلاب پر شور و غوغای حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) که با ندای هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي آغاز



شد، ولی متاستفانه عده معدودی لبیک گفتند. روح و روان همگی آن عزیزان ایثارگر شاد باد.

و حال امروز، به امید انقلاب حضرت مهدی ارواحنا له

الفداء هستیم که ندای

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ  
ایشان را لبیک گوئیم.

ندای حضرت است که به گوش ما می‌رسد، بشنوید و

لبیک گوئید.

ای اهل ایمان اگر خدا و دین خدا را یاری دهید، خدا هم،

همه جا شما را یاری دهد و بر حوادث ثابت قدم گرداند. سوره

محمد آیه ۷

و باید گفت یاری خداوند بر همگی شما مبارک باد، بر

شما که برای امام زمان (ع)، عزیز هستید، پس شما هم عزیزش

دارید و او را یاری کنید، که یاری کردن ایشان، عین یاری به

خودتان است. و اوست، یار بیچارگان که اصرار دارد که شما

عزیزان رستگار شوید. اوست که به این و آن می‌گوید به بندگان

خدا، به شیعیانم بگوئید توبه کنند، گناه نکنند و برای آمدن من

دعا کنند زیرا من به سویشان می‌آیم، تا قلبهای شکسته را التیام

بخشم و به اسراء نوید رهائی دهم و کسانی که در قید و بند

هستند، آزاد کنم.

آری می‌آیم به سوی بینواترین شما تا لطف و مرحمت

خدای لایزال، آن پناه بی‌پناهان را شامل حالتان گردانم.  
 و آیا براستی چگونه به آن زمان می‌نگرید، که وقتی  
 بیاید، شرق و غرب جهان را به اذن پروردگار در سیطره خود  
 قرار خواهد داد که گرگ و گوسفند در یک مکان زندگی کنند،  
 کودکان خردسال با مارها و عقرب‌ها بازی کنند و آسیبی به آنها  
 نرسد. شر از جهان رخت بریندد و تنها خیر باقی بماند و زمین  
 نباتات خود را خارج می‌کند. آسمان برکاتش را فرو می‌فرستد،  
 گنج‌های نهفته در دل زمین برای او آشکار می‌شود و کینه‌ها از  
 دل مردم بیرون رود. راه‌ها امن شود که زن در دل شب از شهری  
 به شهر دیگر برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد،  
 جواهراتش را بر سر بگذارد و از درنده و درنده‌خوئی هراسی  
 نداشته باشد. به امید آن روز مبارک.

و حال ای دوستان خدا و ای شیعبان علی بن ابیطالب امید  
 داریم که در سایه ایمان و تقوی و نگهبانی از مرزهای عقیدتی و  
 صحت اعمال خود و دوری از هر گونه سستی و انحراف زودتر  
 به آنروز موعود و مبارک دست یابیم.

و نیز باید سعی شود تا ایمان اعتقادی با ایمان عملی در ما  
 ایجاد شده و باید در این دوران تاریک از شیاطین پنهان و آشکار  
 که به سست کردن پایه‌های اعتقادی جوانان و نونهالان عزیز قد  
 علم کرده‌اند قیام کنیم تا جان و دل نوباوگان و نوجوانان و  
 جوانان معصوم در برابر تابش اعتقادات حقه قرار گیرد و از این

تابش و تجلی آکنده گردد.

لازم است ایمان جزء وجود آنان و مایه تقوّم هویت اصلی آنان باشد، تا حق و فداکاری در راه اعتلای حق، چون خون، همه وجود آنان را گرم کند و چون روح، جوهر حیات آنان باشد.

و انشاءالله در سایه پاکی روح و اعمال صالح آن روز موعود و مبارک هر چه زودتر برسد و ما در کنار مولایمان مهدی عزیز زندگی توأم با خوشبختی و سعادت را پشت سر بگذاریم. امید داریم که خوانندگان عزیز با مهر و محبت خودشان به این حرکت، توجه کنند و در این رابطه هدفی جز رضایت پروردگار و خشنودی آقا امام زمان (ع) نداریم.

آری شما شیعیان عزیز که امام زمان دوستتان دارد و اوست که برای شما نگران است و کاش احساس صمیمانه او را حس کرده و محبت او را می‌شناختید و جواب محبتش را با محبت ابراز می‌کردید، در حالی که آقا و مولای ما شیعیان می‌گوید:

آن روز که حکومتم آغاز شود، یک سوم مردم جهان در کنار من زندگی جدیدی را آغاز خواهند کرد و من علاقه مندم شیعیان در کنارم باشند.

و حال ای مردم مختارید که انتخاب کنید به امید پیروزی شیعیان علی بن ابیطالب (ع).

و حال خوانندگان عزیز لطفاً از توسل به حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام غافل نشوید که در روز قیامت " حسین " بهانه قرار می‌گیرد و اعمال دیگر، مورد قبول واقع می‌شود. پس امروز دست به دامان آن شهید ایثارگر قهرمان می‌شویم که خواندن زیارت ایشان از فضیلت والائی برخوردار است.

از جمله امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

زیارت جدم حسین (ع) جلوگیری می‌کند از خطر و زیان‌های مختلف مانند: خطر ویران شدن ساختمان بر سر انسان و سوختن و غرق شدن و از حیوانات درنده در امان بودن. و خواننده زیارت، ثواب نود حج و عمره از حج و عمره رسول خدا، شامل حالش شود و شفاعت مادرش زهرا (ع) در روز قیامت و خشنودی ابا عبدالله (ع) را نیز به همراه دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوْحِ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوْحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيٍّ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصَّدِيقُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارِ التَّقِيُّ السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ  
بِفَنَائِكَ وَأَنَا خَتُّ بَرِّ خَلِيكَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُخَدِّقِينَ  
بِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى  
أَتَيْكَ الْيَقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ترجمه

به نام خداوند بخشنده مهربان درود بر تو ای وارث آدم صفوه  
الله درود بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا درود بر تو ای وارث  
ابراهیم خلیل خدا درود بر تو ای وارث موسی کلیم الله درود بر  
تو ای وارث عیسی روح الله درود بر تو ای وارث محمد حبیب  
خدا درود بر تو ای وارث علی وصی رسول خدا درود بر تو ای  
وارث حسن رضی درود بر تو ای وارث فاطمه دختر رسول خدا  
درود بر تو ای شهید صدیق درود بر تو ای وصی خوش کردار و  
پرهیزگار درود بر ارواحی که در آستانت فرودند و بر بندات بار  
نهادند درود بر فرشتگان خدا در گرد تو گواهیم که بر پاداشتی  
نماز را و دادی زکوه را و امر کردی به معروف و نهی کردی از  
منکر و پرستیدی خدا را با اخلاص تا آمدنت یقین (مرگ) درود  
بر تو و رحمت خدا و برکات او

منتظر در انتظارش باش و دیدار و ظهورش را از خدا بخواه و  
امیدوار باش به آن زندگی برتر که در انتظار توست. به امید

پیروزی شیعیان علی بن ابی طالب

(پایان قسمت یازدهم طاووس بهشتیان)

### بِسْمِ تَعَالَى

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى الثَّرِيقِيِّ وَقَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ  
وَعَلَى الْاِثْنَةِ الرَّاشِدِينَ مِنْ آلِ طِهٍ وَبِسْ .

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ اصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيفَتَكَ بِمَا اصْلَحْتَ بِهِ اَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ وَ  
خُفَّهُ بِمَلَانِكَتِكَ وَاَيْدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَاسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ  
يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَاَبْدِلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ  
اٰمَنًا يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَلَا تَجْعَلْ لِحَدِّهِ مِنْ خَلْقِكَ عَلِيًّا  
وَلِيًّا سُلْطَانًا وَاذْنًا لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَاَجْعَلْنِي مِنْ  
اَنْصَارِهِ اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

روایت است که امام رضا (ع) روزهای جمعه این دعا را

در قنوت نماز ظهر تلاوت می کردند:

بنام خداوند بخشنده مهربان

بارالها کار بنده شایسته و خلیفه راستینت امام مهدی را اصلاح فرما، همان گونه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح نمودی و از فرشتگانت، نگاهبانی بر او بگمار و از سوی خویش با روح القدس او را یاری و پشتیبانی فرمای و دیده بانانی از پیش رو، و پشت سر همراه وی گردان تا از هر بدی نگاهش دارند و ترس و هراس او را به امن و امان دگرگون ساز که او تو را می‌پرستد و هیچ چیز را همتا و همانند تو نمی‌داند.

پس برای هیچ یک از آفریدگانت برتری و چیرگی نسبت به ولی خودت قرار مده و او را در جهاد با دشمنت و دشمنش اجازت فرما و مرا از یاوران او بشمار آور که همانا تو بر هر کاری توانائی  
(جمال الاسبوع سید بن طاووس)

و براستی ای خدای سبحان در هر کاری توانا هستی و ما شیعیان نیز از تو می‌خواهیم تا در این حرکت الهی و پرشکوه و پیروزی حق بر باطل ما را یاری دهی.

زیرا ما پیرو آل محمدیم نه کسی دیگر.

و ما مسافر راه بر حق حقیقیم نه راهی دیگر.

و این است شعار شیعه در طول تاریخ، در آوردگاهها و میدانها، در تبعیدها و زندانها، در خونها و حماسهها، در فریادها و خروشها ... و چنین خواهد بود تا آن هنگام که این فریادها ... در جام زرین خورشید بریزد و جهانگیر گردد.

و حال باید در این برهه از زمان که عالم هستی از

حساسیت خاصی برخوردار است، شیعیان علی بن ابیطالب (ع) با اعتقاد راستین، ایمان و یقین و عمل صالح، با محبت و نشر آگاهی برای تشکیل اسلام ناب محمدی تلاش کنند.

مگر نه اینکه هر مسلمان متعهد و دلسوز در مقابل دین پاک احمدی خود را مسئول می‌داند و با گفتن **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** متوجه آن شده که باردار مولودی بنام مسئولیت است مسئولیتی بس بزرگ و با شکوه.

مسئولیتی که هر لحظه ندا سر می‌دهد که برای نگهبانی از من (اسلام) تلاش و ایثار داشته باش.

و ما مردم مسلمان نیز باید برای پاسداری و به پا داشتن آن دین راستین و ملکوتی، لحظه‌ای غفلت نورزیم.

همان دینی که خداوند نسبت به آن تعصب دارد و

می‌فرماید:

**وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ**

**الْخَاسِرِينَ آل عمران ۸۵**

هر کس دینی غیر از اسلام اختیار کند، هرگز از وی پذیرفته نیست و چنین کسی در آخرت از زیانکاران است.

و نیز در آیه ۸۱ آل عمران نقل شده:

**إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ.**



همانا دین پسندیده نزد خدا آئین اسلام است و اهل کتاب در آن راه مخالفت نیمودند مگر پس از آنکه به حقاقت آن آگاه شده و این خلاف را از راه رشک و حسد به میان آوردند و هر کس به آیات خدا کافر شود، بترسد که محاسبه خدا زود خواهد رسید.

و حال درود و سپاس بی پایان ما بندگان بر تو ای خالق هستی، و ما بندگان از تو می‌خواهیم به ما مسلمانان جهان عنایت کنی تا در کنار هم برای شکوفا شدن دین پاک محمدی کوشش کنیم و تا دین اسلام به سر منزل مقصود نرسیده آرام ننشینیم و در انتظار یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (ع) باشیم و به عنوان یک مسلمان مومن که در انتظار منجی خود می‌باشد آن آمادگی لازم را دارا باشیم و در واقع باید در انسان منتظر، روح پارسائی و پایداری، زهد و بی‌نیازی، قدرت و مردانگی، شهامت و بی‌باکی، نظامی‌گری و سلحشوری و صبر و ایثار و وفا و فداکاری وجود داشته باشد.

انسان منتظر باید این خصلت‌ها را در خویشتن پدید آورد و بپرورد و به اصطلاح روز، یک فرد ساخته انقلابی، و یک چریک آماده باشد. و هیچ گونه ضعف و سستی، امیال و علایقی، نباید شخصیت صخره‌سان انسان منتظر را دست خوش قرار دهد.

و نیز باید در کنار انتظار و اعمال صالح و تلاش بی‌امان،

دعا کرد.

دعا و توسل به درگاه خدا و طلب عنایات خدا همیشه موثر است و آثار بسیار دارد. به ویژه درباره امر عظیمی همچون ظهور حضرت مهدی (ع) که نجات انسان‌های محروم و مظلوم را دربر دارد و با ظهورش پایان می‌بخشد بر آن همه گرفتاری و بیچارگی و دربدری و... که امروز بندگان خدا آن را با تلخی تجربه می‌کنند.

و در واقع ظهور حضرت مهدی (ع) رها شدن از زنجیرهای اسارت و فرا رسیدن فرج اعظم و فوز اکبر و نجات بزرگ است.

آری ای برادر و خواهر مسلمان برخیز و دعا کن و امید به اجابت داشته باش و امید به نجات و رسیدن به آن خوشبختی وعده داده شده را داشته باش.

برخیز دعا کن که دعا را اثری هست

تأثیر به آه دل خونین جگری هست

این قدر مگوناگونی تأثیر فتاده

آخر به خدا یک نفس با اثری هست

زن حلقه به دربار فلک رفعت مهدی

چون پادشاهان را بگدایان نظری هست

یک نامه بری آمده از کشور خضراء

گوید خبر تازه ز یک نو سفری هست

آورد بشارت که منالید چو یعقوب  
 از یوسف گم گشته بر ما خبری هست  
 آری باید امید داشت و به خدا توکل کرد و به طلب خورشید  
 رفت و باید خورشید را در دل شب طلب کرد. مگر نه اینکه روز  
 ما شیعیان همچون شب، تیره و تاریک است؟

مگر نه این که اخبار غم انگیز این دیار و آن دیار به  
 گوش می‌رسد و قلب ما را مجروح می‌کند؟

و براستی تا کی بشنویم جوانان، عزیزان، شیعیان علی بن  
 ابیطالب برای نگهداری و نگهداری و نگهداری از اسلام و دین و حق باید به  
 دست دشمنان خبیث و بی‌دین شهید و اسیر شده و اهل و عیالشان  
 سیاه‌پوش و گریان شوند.

ولی ما شیعیان با یک دنیا امید در دل این شب تاریک  
 چشم امید به آن نور درخشان، به آن نور الهی دوخته‌ایم، به  
 همان نور تابانی که هم چون خورشید به سوی ما بیچارگان  
 می‌آید.

مگر نه این که خورشید آسمان بی‌رنگ شده شاید  
 می‌خواهد بگوید خجالت می‌کشم در برابر آن خورشید فروزانی  
 که می‌خواهد طلوع کند بتابم و نور افشانی کنم در حالی که نور  
 او نور خدائی است و وجودش همچون خورشید نورانی است و  
 اوست که قلب عالم است و عالم هستی به حرمت وجود شریفش  
 پا بر جاست.

و حال، آیا ای شیعیان علی بن ابیطالب شما هم آن نور و آن منجی را که به سویمان می آید می نگرید؟  
و آیا برای دیدارش تشنه هستید و برای یاریش آمادگی دارید و برای رسیدن به او تلاش می کنید؟  
و آیا در سایه اعمال صالح آن برات آزادی را به دست آورده‌اید تا سوار بر کشتی نجات شوید و بدانید کسی که سوار بر آن کشتی شود، مثل کسی است که خود را به بهشت رسانده.

و کسی که خود را به بهشت رساند، بداند در سززمین پاک خدا دور از شیاطین و دشمنان و دور از فتنه و بلا می‌تواند به آن زندگی شیرین توأم با خوشبختی و بدون نگرانی، به آن زندگی پاک و ملکوتی هم چون فرشتگان ادامه زندگی دهد. و در آن جشن بزرگ و باشکوه، که جشن پیروزی حق بر باطل است، شرکت جوید.

آیا براستی دعوت نامه آن جشن زیبا و دل پذیر به دست شما عزیزان رسیده است؟

اگر تا به حال به دستتان نرسیده تا فرصت دارید تلاش کنید و این فرصت داده شده را غنیمت بشمارید و این فرصت داده شده را طولانی ندانید و سعی کنید در آن پیروزی و در آن جشن بزرگ شرکت داشته باشید. در غیر این صورت افسوس و حسرت آن، تا خدا، خدائی می کند بر دل‌ها خواهد ماند. ولی

امید داریم این انتظار همراه با رستگاری به پایان رسد.

و نیز می‌دانیم:

**انتظار یک بسیج عمومی است**

مسلمان و غیر مسلمان به آن اعتقاد دارد. آینده از آن هیچ کس نیست که آینده از آن خداست آن چه از ما ساخته است، این است که برای آینده آماده شویم، و خود را برای اجرای آنچه آینده از ما چشم دارد، مهیا سازیم (ویکتور هوگو).

و حالا که اقرار داریم انتظار باید یک بسیج عمومی باشد، پس بدانیم مکتب تشیع علوی، در عصر انتظار، پیروانی می‌خواهد همیشه آماده و همواره در سنگر، سنگر مبارزه با تمایلات نفسانی و مبارزه با زیر بار کفر رفتن و برده دیگران شدن و ذلت پذیری و استعمار زدگی و ... و باید بدانیم این آمادگی عمومی و همیشگی، جوهر اصلی انتظار است، این است که باید ماهیت انتظار شناخته شود، تا انتظار، انتظار اسلامی و سازنده باشد، زیرا انتظار پدیده‌ای عظیم و جریانی مهم است.

و می‌دانیم که ظهور حضرت مهدی موعود (ع) و رسیدن فرج اعظم و فتح اکبر امری بسیار بزرگ و بسیار مهم است، پس باید شیعه خود را برای چنین هدفی عظیم که نشر عدالت در همه آفاق و نشر حق در همه نفوس خواهد بود آماده سازد و مانند آن مردان متعبد شیعه که مقید هستند که همواره شمشیری تیز بر بالین نهند و دل بیدار و چشم براهند و اندک می‌خوابند و

سحر گاهان به پاخیزند و دعا میکنند و آماده بر کردن ریشه ستم و ستم گری و برای واژگون ساختن تخت و تاج جباران و قصر و کاخ ستم کاران روز شماری می کنند و اگر دیگر مسلمانان جهان این چنین باشند و در این حماسه مقدس، وحدت یابند، دیگر کدام قدرت و چه ارتشی تاب مقاومت تواند داشت و مقاومت تواند کرد؟

و ما مسلمانان جهان وظیفه داریم با بانگ **اللَّهُ أَكْبَرُ** حق را بطلبیم و سر از تسلیم و انقیاد بپیچیم و سر به آستان حق و عدل فرود آوریم.

و کسانی که فاقد ویژگی‌هایی‌اند که یاد شد، چه بسا با توجه و تأمل در واقعیت انتظار، ضد انتظار و ضد منتظر محسوب گردند نه منتظر.

در احادیث و تعالیم رسیده است که عفت و تقوی و صلاح پیشه سازید و در روزگار انتظار صبور باشید، دوران غیبت را طولانی نشمارید، زیرا که وعده خدا حق است و اگر چه به طول انجامد، خواهد رسید و باید گفت: منظور از صبر در تعبیرات تعلیمی دین در موارد بسیاری به معنای صبر بر طاعت و زحمت عبادت، صبر بر خودداری از معصیت و دوری از لذایذ دنیا و گناه است نه این که صبر در مقابل ظلم و ستم ظالمان و با دیدن گناه دیگران و دم نزدن و امر به معروف و نهی از منکر نکردن.

و معنای دیگر صبر: این است که در رسیدن دولت حقهٔ جهانی حضرت مهدی (ع) عجله نکنیم و از فرصت داده شده استفاده صحیح داشته باشیم و فرض کنیم عنایت ویژه شامل حالمان شده.

آری در مشکلات و دیگر مسائل، صبر کنیم در حالی که باید در پاک ساختن روح و جسم خودمان، با سرعت زیاد تلاش کنیم و باید در این دوران تاریک خودمان را در مسیر نور قرار دهیم و همان طور که امام زمانان صبر کرد، صبر کنیم و اگر او در این شرایطی که هستیم می‌آید، بیشترین نفرات از ما مردم دنیا به دست فتنه و بلاها سپرده می‌شدند. و نیز باید در نظر داشت که یک طرف قضیه این ظهور و انقلاب، انسان است و آقا امام زمان (ع) می‌آید تا به کمک انسان و انسانیت برخیزد و دست انسان را بگیرد و جهان انسانی را پدیدار سازد.

و انسان، موجودی است که در قلمرو تکلیف و اختیار حرکت می‌کند، بنابراین در دوران ظهور نیز، همین تکلیف و اختیار هست.

انسان در آن جریان بزرگ نیز حضور دارد، آن هم حضور اختیاری و تکلیفی و همین است که در هنگام ظهور عده‌ای حق را اختیار می‌کنند و در پی حضرت مهدی (ع) به راه می‌افتند و برخی باطل را اختیار می‌کنند و رو در روی حضرت مهدی (ع) می‌ایستند که البته به آنان فرصت داده نخواهد شد تا چونان خار

در گلستان انسانیت بمانند و جان انسان و انسانیت را بگزند و همه آنها به لطف و عنایت خدا و قدرت امام زمان (ع) نابود خواهند شد.

و انسان‌های پاک و مومن، در کنار مولایشان حضرت مهدی (ع) وارد صحنه می‌شوند و عدل جهانی به رهبری حضرت مهدی (ع) و با کمک انسان‌های مقاوم و مبارز، تحقق می‌پذیرد. این اصل نیز باید همواره در یادها باشد تا آمادگی‌ها را فراهم آورند تا آن زمان که حضرت مهدی (ع) از مردم کمک و یاری طلبید و این یاری خواستن به خاطر آن است که هم مردمان را به راه سعادت و حق ببرد و هم به فیض فداکاری در راه استوار ساختن حق و عدالت نایل آیند، و هم حرکت انسانی و قیام جهانی خویش را تا جایی که ممکن است با دست خود مردم به ثمر برساند همان طور که در احادیث می‌خوانیم:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ، وَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ

ای مردمان: ما از خدای یاری می‌طلبیم، و از هر کس از مردم که دعوت ما را بپذیرد، و در صف یاران ما در آید.

إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ الْيَوْمَ، وَكُلِّ مُسْلِمٍ

ما امروز، از خدا یاری می‌طلبیم، و از هر مسلمانی که در جهان هست.

چنان که از امام محمد باقر (ع) روایت شده است که

فرمود:



چون مهدی فریاد بر آورد که ما از خدای یاری می‌طلبیم و از هر مسلمانی، سیصد و سیزده تن از مردان نزد او آیند که با آنان پنجاه زن نیز هست. این جماعت در مکه گرد آیند ...  
و این شمار، شمار نخستین گروه از یاران مهدی (ع) است، سپس دسته دسته مردمانی که جزء یاران او خواهند بود، از زن و مرد، به آنان خواهند پیوست.

و اگر شیعیان به چنین افتخاری نائل آیند تعجبی ندارد، شیعیان که دست از محمد و آل محمد (ص) بر نداشته است، شیعیان که همه جا محرومیت دیده و بلا کشیده و زندان رفته و شکنجه شده و شهید داده است.

شیعیان که در طول قرن‌ها و سده‌ها همواره در برابر ستم‌کاران ایستاده و سازش نکرده است و همیشه فریاد او، دعوت به حکومت معصوم، و مدعای او، مبارزه با ظلم و بیدادگری بوده است.

شیعیان که بیش از هزار سال است که از جان و دل و با خون و قیام، مهدی آل محمد (ص) را طلب کرده است و اگر این شیعه با آن همه فداکاری و پایداری، در انقلاب بزرگ آقا امام زمان (ع) حاکم و وارث زمین بشود، باید گفت حق آن است، شیعیان که پیرو خط نبوت است، از آدم تا خاتم، و خط وصایت از علی تا مهدی ....

و حال خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد که درخت

نبوتند و جایگاه رفت و آمد فرشتگان و معدن علم و حکمت و خاندان و حیند.

خدایا درود فرست بر محمد و آلش که آنان کشتی دریای معرفتند و روان در اعماق آن دریا و هر کس بر آن کشتی درآید از غرق ایمن است و هر کس در نیاید به دریای هلاک غرق خواهد شد و هر کس بر آنها تقدّم جوید از دین خارج شود و هر کس از آنان عقب ماند سعیش باطل و نابود گردد و هر کس همراه آنان باشد ملحق به آنها خواهد شد.

خدایا درود فرست بر محمد و آلش که حصار محکم امتند و فریادرس بیچارگان و درماندگان و پناه بی‌پناهان و نگهبان عصمت طلبانند.

درود فرست بر آنها درود بسیار که آن درود موجب خشنودی آنها باشد و ادای حق آنها بر ما شود به حول و قوه تو ای خدای عالمیان.

و حال درود و سپاس بی پایان ما بندگان بر تو ای خالق هستی و ما بندگان از تو می‌خواهیم، تا به ما مسلمانان جهان عنایت کنی تا در کنار هم برای شکوفا شدن دین پاک محمدی کوشش کنیم و تا دین اسلام به سر منزل مقصود نرسیده آرام ننشینیم.

و ما نیز ای خدای هستی بار دیگر از تو مغفرت و نور ایمان می‌طلبیم تا بهترین عمل و حرکت از ما سرزند و انشاءالله

در سایه اعمال نیک از صالحین باشیم تا دیدار مصلح حاصل شود.

و حال ای مصلح بزرگ جهان چشم امید به تو داریم و به انقلاب و حکومت جهانبیت.

و تو ای یگانه منجی عالم بشریت از خدا بخواه که ما مسلمانان جهان آن چنان از نظر وسعت فکر و اندیشه، مبارزه و جهاد و از نظر قدرت اصلاح همه جانبه جهان، خود را بسازیم که شایستگی شرکت در آن برنامه عظیم انقلابی را داشته باشیم. مگر نه این که قرآن کریم به صراحت می گوید:

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

حکومت زمین سرانجام به دست بندگان صالح ما، خواهد افتاد.

و براستی این بندگان صالح چه کسانی هستند؟

آیا به آن بندگان خوب خدا که تسلیم خالق خود می باشند صالح نگوئیم؟ و آنهایی که قانون پاک الهی را پیروی می کنند و دین مبین احمدی را نگهبان هستند و بیچارگان را یاری می دهند و برای هموعان خود دلسوزند و در هر غم و شادی می گویند:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

آری می گویند ما از خدائیم و باز گشت ما به سوی اوست.

و با گفتن این آیه مطهر مسئولیت را پذیرفته و در مقابل خالق می گویند ما مسئولیم و اگر گناهی از آنان سرزند احساس

شرمساری می‌کنند زیرا می‌دانند خداوند انسان را آفرید تا به رشد و تکامل معنوی برسد یعنی همان عبادت آگاهانه و آزادانه و در آیات بی‌شماری گفته شده اگر همه انسان‌ها کفر ورزند، خداوند غنی است، در حالی که خداوند قادر است همه را هدایت کند، لکن او می‌خواهد مردم آزادانه و آگاهانه راه خود را انتخاب نمایند.

آری باید گفت صالحین همان شیعیان آل محمد (ص) هستند، که در بیداری قدم بر می‌دارند و غفلت نمی‌ورزند و دل به لذات و زینت‌های دنیا نمی‌بندند و در هر مرحله از مراحل زندگی ثابت قدم هستند و عاقلند و تسلیم اراده خداوند و انسان بدانند وقتی عقل زنده شد، به اوج کمال دست خواهد یافت و به دنبال حق خواهد رفت. همان حقی که مجموعه سنت‌های الهی را شامل می‌شود که با پیروی از آن انسان به تکامل می‌رسد.

و در همین رابطه حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند:  
 بهشت نمی‌رود مگر کسی که مسلمان باشد. و مسلمان نخواهد بود مگر این که اسلام را پذیرفته باشد.  
 و بار دیگر حضرت فرمود:

بدانید اسلام عریان است و لباسش تقوی و روپوش او هدایت و زیرپوشش حیاء و بنیادش ورع و کمالش دین و میوه‌اش عمل صالح است. و هر چیزی را پایه‌ای است و پایه مسلمانانی دوست داشتن ما خاندان است. و هر بنائی را ستونی

است و ستون دین اسلام، نماز است.  
و باید گفت نخستین و مهم ترین عبادت نماز است و نماز  
را معراج مؤمن دانسته‌اند.

نماز ستون دین است که مرتب روح انسان را با خدا و  
صفات نیکوی الهی ارتباط می‌دهد و روح را به سوی رستگاری  
می‌کشاند و بالاترین ذکر خدا همان نماز است. و نمازهای پنج  
گانه روح و قلب را از آشفته‌گی‌ها، ناپاکی‌ها، فحشاء و زشتی‌ها  
دور می‌سازد.

و کسانی که نماز را با حضور قلب می‌خوانند چهره‌هایی  
پاک و نورانی و رفتاری آرام و باوقار دارند و نیز انشاءالله از  
رستگاران می‌باشند.

رسول اکرم در همین رابطه می‌فرماید:

نماز بخوانید مانند نماز شخصی که وداع می‌کند و تصور  
کنید که بهشت در برابر شما و آتش زیر پایتان و عزرائیل پشت  
سر شما و پیغمبران سمت راست و ملائکه در سمت چپ و  
پروردگار بالای سر شماست و بر آنچه انجام می‌دهید آگاه است.  
پس نگاه کنید در برابر چه کسی ایستاده‌اید و با چه  
کسی مناجات می‌کنید و چه کسی شما را می‌نگرد.

آری مانند آن بنده ذلیلی باشید که در برابر سلطانی  
بزرگ ایستاده و با خشوع و خضوع و با وقار و آرامش نماز را  
بخوانید و معنی‌های پنهان آن را، به خاطر داشته باشید.

و نیز از حضرت رسول اکرم (ص) روایت است:  
 نماز ستون دین است. اگر نماز قبول شود سائر اعمال نیز  
 قبول می‌شود و اگر رد شود، سائر اعمال نیز رد می‌شود. و کسی  
 که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک شمارد سزاوار عذاب  
 آخرت است.

و خداوند در سوره مبارکه قیامت می‌فرماید:

**فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى**

آن روز (در قیامت گفته شود) وای بر آن که حق را تصدیق  
 نکرد و نماز و طاعتش را به جا نیاورد.

**أُولَى لَكَ فَأُولَى**

و بر آن بدبخت خطاب شود وای بر زندگی و صد وای بر مرگ  
 تو.

**ثُمَّ أُولَى لَكَ فَأُولَى**

و پس از مرگ هم وای بر برزخ و صد وای به روز محشر تو.  
 و براستی وای بر حال کسی که حق تعالی بفرماید وای  
 بر او، و ما شیعیان می‌دانیم نماز هم چون آبی است که بر روی  
 آتش که همان گناهان است می‌ریزیم.

و روایت است که نماز در آن دریچه تاریک قبرمان  
 بصورت آدم خوشروئی می‌آید و وقتی پرسیده شود تو کیستی؟  
 گوید من نماز تو هستم تا روز قیامت در کنار تو می‌مانم تا تو تنها  
 نباشی.

پس دانستیم دین اسلام را پایه و ستونی است و بنای آن با اعمال صالح و پیروی از قانون خدا بنا می‌شود و مسلمان هم کسی است که دین اسلام را پذیرفته باشد. همان اسلامی که مجموعه‌ای از کمالات، خوبی‌ها و زیبایی‌هاست که جامعه انسانی باید آن را دارا باشند.

و می‌دانیم اسلام، ضد استکبار و ضد رفاه طلبی و زورگوئی و استثمار و استعمار و هر نوع پلیدی است. اسلام طرفدار پابرنه‌ها و مستضعفین است و نوید دهنده پیروزی محرومین بر ظالمین است.

اسلام دین دو بعدی است، دین دنیا و دین آخرت است. و اگر انسان در مسیر اسلام واقعی قرار گیرد، دنیا و آخرت او به بهترین وجه آباد می‌شود.

پس کسی که رفاه و آسایش در دنیا و سعادت و نعمت جاوید را می‌خواهد به سوی خدا برود.

آیا براستی دنیا و آخرت با هم بهتر است یا تنها یکی از آنها؟

آیا پنجاه سال یا کمتر و یا بیشتر خوش بودن بهتر است یا این که انسان برای همیشه سعادتمند شود.

و اصولاً کسی که پناهنده به اسلام است و ابعاد اسلام را در نظر دارد، در هر کاری به خدا متکی و خود را در محضر خدای لایزال می‌داند و همچون غریق غرق می‌شود به پروردگار

خود دارد. و اوست که می‌خواهد از محبوبش، که همیشه ثابت قدم بماند، تا وقت موعود فرا رسد تا پاک و معصوم هم چون کودکان به خالقش پیوندند.

آری او می‌گوید هر صبح و شام:

یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ

چون می‌داند در سایهٔ دین و پیروی از آن می‌تواند به محبوبش خدا و به رستگاری دست یابد.

و حال ای کسی که تحول دل‌ها بدست توست، پس دل ما شیعیان را نسبت به دین و اهدافمان ثابت قدم بفرما و اتحاد و هم‌بستگی را میان ما شیعیان قرار ده و آن شوق و محبت را در دل همگی ما بتابان تا همگی ما مسلمانان به یاری آن یگانه منجی عالم بشریت بشتابیم و لحظه‌ای آن عزیز فاطمه را تنها نگذاریم.

مگر نه این که ما شیعیان معتقد هستیم در آخرالزمان مردم دنیا دچار مشکلات، گرفتاری‌ها و ناامنی‌ها و... می‌شوند و تنها کسی که می‌تواند آنها را نجات دهد آقا امام زمان (ع) است.

پس یکی از بهترین کارها این است که در کنار این آشوب‌ها و سختی‌ها، قیام‌ها و انقلاب‌ها و... متحد باشیم و در کنار هم برای ظهور منجی خود دعا کنیم.

دعا برای فرج حضرت مهدی (ع) و نزدیک شدن ظهور او، دعا برای فرج و گشایش کار خودمان، و بلکه فرج و گشایش کار همهٔ انسان‌های مظلوم و در بند عالم.



آری باید گفت به آن یوسف گم گشته، به همان نجات  
دهنده انسان‌های دربند و آواره.

جان ما شیفتگان وصل شما می‌طلبید

این نه از بخت خود، از لطف خدا می‌طلبید

و ما باید از عنایات و محبت و لطف پروردگاران شاکر باشیم و  
از خدای سبحان بخواهیم ما را آنی به خود وامگذارد.

زیرا وضع نابسامان عالم، بشارت بزرگترین پیروزی و  
دیداری بزرگ و باشکوه را یادآور می‌شود.

مگر نه این که گفته‌اند وقتی وضع دنیا از هم پاشید و  
دگرگونی حاکم شد، انتظار بزرگترین تحول را داشته باشید که  
در کنار آن تحول یگانه منجی عالم بشریت ظهور کند و آن  
تحول عظیم را حاکم شود.

آیا برآستی دگرگونی‌های عالم نوید آن تحول بزرگ را  
نمی‌دهد؟

آیا برآستی ما مسلمانان جهان چرا شاد نباشیم برای آن  
همه تحول سازنده که در دنیا به وقوع پیوسته، در حالی که  
می‌شنویم انسان‌های پاک با روحی لطیف خواهان حق و حقیقت  
به دامان اسلام پناهنده می‌شوند.

آیا امروز شادی نکنیم برای آن بشارتی که آن وارث و  
منادی و آن رهبر کبیر شیعیان حضرت امام خمینی قدس سرّه در  
یازدهم دی ماه ۱۳۶۷ به آن کشوری که دور از ارزش‌های

انسانی و الهی راه می‌پیمود و دین زدائی و خدا زدائی در آن نقطه از جهان که بیش از دویست میلیون نفوس را در خود جای داده رواج داده بودند، و بالاخره زمان رسید که ما نابودی آن مکتب غیر الهی و انسانی را بشنویم. و طبق فرمایش حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ که فرمودند:

می‌رسد روزی که تمامی طرفداران اسلام ناب محمدی در این دیار در پی برخاستن بانگ الله اکبر، محمد رسول الله، از گل دسته‌های مساجد، برخی از جمهوری‌های شوروی بعد از هفتاد سال بشنوند و به دامان اسلامی که امید آنها بود پناهنده شوند.

و حال امروز شاهدیم بر این همه شور و هیجان. و در همین رابطه روایت است که گفته‌اند: هر وقت دیدید تُرک‌ها به جوش و خروش آمدند انتظار امام زمانتان را بکشید.

و برآستی کدام جوش و خروش؟ آیا بالاتر از آن که عزیزان تشنه حق و حقیقت بعد از این همه سال که در خفقان به سر برده بودند امروز در صف نمازهای جماعت و در صف تظاهرات و دیگر مراحل کشورشان قد علم کرده و از هیجان خاص برخوردارند؟

و ما شیعیان نیز برای تشنگان اسلام ناب محمدی در جهان آرزوی موفقیت داریم و در این برهه از زمان که دنیا در وضع حساسی بسر می‌برد از امام زمانمان می‌خواهیم که آرا

عزیزان را یاری دهد و امید داریم به پیروزی مطلق برای همه انسان های دربند که به اسلام پاک احمدی پناه آورده اند و حال مبارک باد بر همه شیعیان این حرکت الهی و ملکوتی و امید به پیروزی هر چه سریع تر اسلام و اسلامیان داریم.

و چه خوب است که ما شیعیان این بشارت ها و این تحولات را مبارک بدانیم و در هر دیداری به یکدیگر تبریک بگوئیم. زیرا بوی خوش " محمد " و " دین محمد " عالم را معطر کرده است.

و حال امید داریم به دیدار فرزند " محمد " که آخرین منجی، آخرین امید، آخرین کس بی کسان که از دودمان پاک حضرت محمد مصطفی (ص) می باشد، بیاید و همگی ما بیچارگان را نجات دهد.

آری با این همه اخبار که به ما می رسد باید به یکدیگر مژده دیدارش را بدهیم.

آری مژده مژده.....

مژده ای دل، شام مشتاقان به سر خواهد رسید

وز پس این تیره شب، تابان سحر خواهد رسید

ای زبان، کم شکوه کن از تلخی ایام هجر

دوره ای شیرین تر از شهد و شکر خواهد رسید

دیگر ای چشم از آسف بر ما مکن طوفان نوح

کارزوی دل، امید جان ز در خواهد رسید

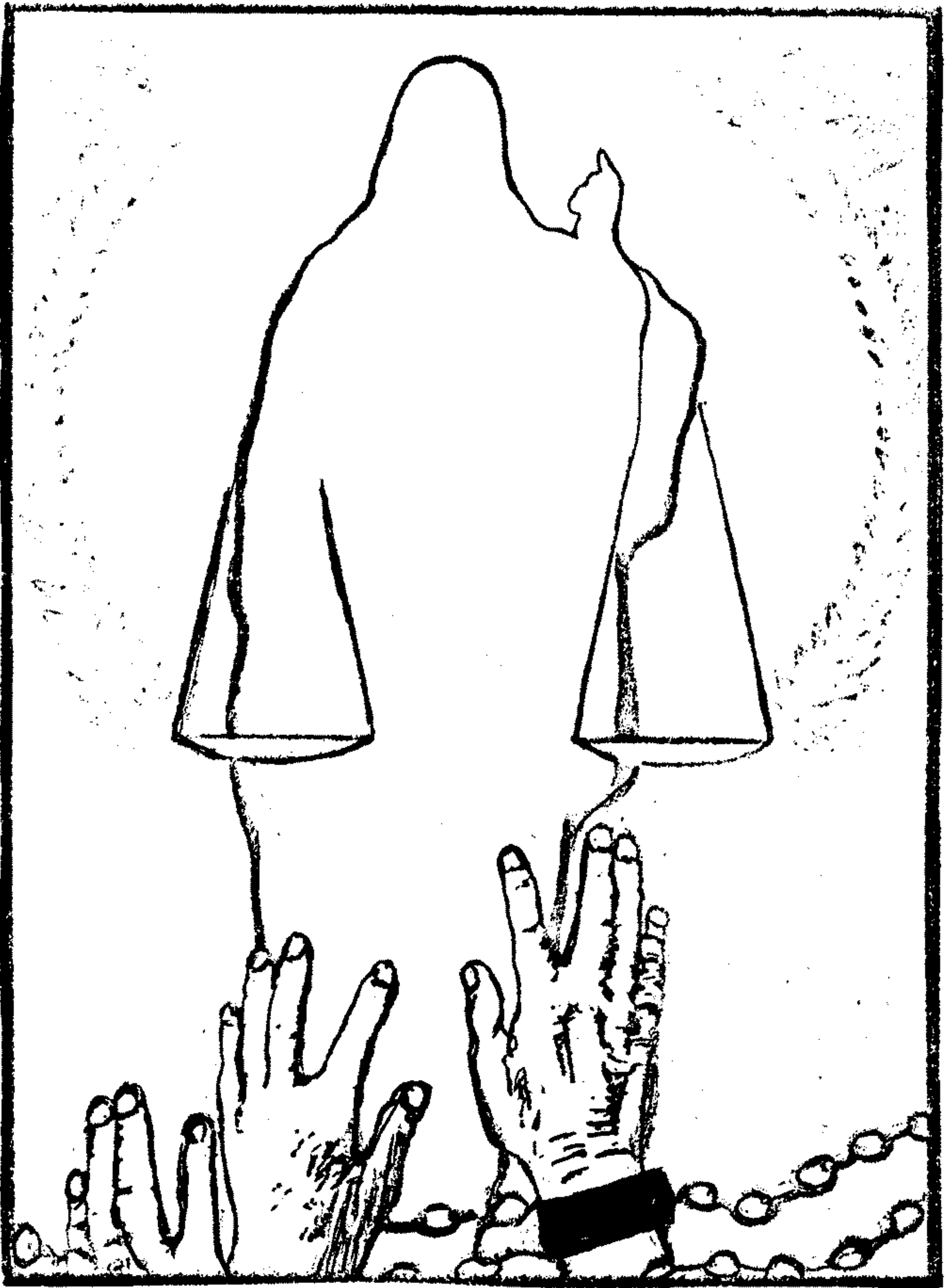
دیگر ای یعقوب سیل اشک در دامن مریز  
یوسف گم گشته، خندان از سفر خواهد رسید  
نا امید و خسته در صحرا مپوی ای کاروان  
رهبر گم گشتگان در بدر خواهد رسید  
و حال پروردگارا تو را قسم به خوبان عرشت بخواه که بانگ  
جبرئیل از میان زمین و آسمان بلند شود و نوید دهد که آن مهر  
تابان از افق تیره غیبت طالع شده است و ای خالق هستی تو را  
قسم به عاشقان در گاهت بخواه که فجر صادق در روز عاشورای  
حسینی بدمد و برق شمشیر منتقم خون مظلومان تاریخ بر فراز  
سرکشان و ستمگران بدرخشد.

و حال ای خدای مهربان تو را قسم به انبیاء و اولیائت  
بخواه که صدای هلهله و تکبیر مستضعفان تا به عرشت برسد و نیز از  
تابش خورشید هستی و فرا رسیدن کعبه موعود کلمه توحید را بر  
زبانها جاری ساز و آن روز موعود و مبارک را هر چه زودتر  
برای ما مقرر بفرما.

به امید پیروزی شیعیان علی بن ابیطالب

منتظر در انتظارش باش

(پایان قسمت دوازدهم طاووس بهشتیان)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ  
بِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي  
كُلِّ سَاعَةٍ وَلَيْتًا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى  
تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

ترجمه: به نام خداوند بخشنده مهربان

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست

خدایا بر ولایت حجت بن الحسن، که درودهایت بر او و بر پدرانش  
باد، در این زمان و در هر زمان، ولی و نگاهبان و یاور و راهنما و  
دیده‌بان باش، تا در سراسر زمینت به اختیار استقرارش بخشی، و  
دیر زمانی در آن کامرانش گردانی. از حضرت امام جعفر  
صادق (ع) نقل گردیده است در هر حال، و در سجود، قیام و  
قعود، مخصوصاً در اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان  
این دعا را (سلامتی حضرت حجت ع) مکرر بخوانید و پس از این

دعا می خوانیم:

یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ یا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ یا مُجْرِيَ الْبُحُورِ یا  
مُلْتَمِنَ الْحَدِيدِ لِداوُدَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و بخواهیم حاجات خود را و براستی چه حاجتی بالاتر از آن که  
ظهور امام زمانمان را بخواهیم و این دعا را بخوانیم زیر آسمان در  
حالی که دست‌هایمان به سوی آسمان بلند است و بگوئیم ای  
مدبّر کارها، ای برانگیزنده هر که در قبرهاست، ای روان  
کننده دریاها، ای نرم کننده آهن برای داود، درود فرست بر محمد  
و آل محمد.

آری ای خدائی که نرم کردی آهن را برای داود حال از  
تو می خواهیم مشکلات و سختی‌های قبل از ظهور و بعد از ظهور  
را بر مهدی آل محمد آسان گردانی و سایه پر عطفش را بر سر  
همگی ما شیعیان مستدام بداری.

باشد که در سایه آن آقا از حق واقعی خودمان برخوردار

باشیم.

آمین